

۵ گزارش «شهروند» از ماجرای تلخ؛ بیماری که قربانی تنبیه تکنیسین های اورژانس شد

متوفی: کودک ۲ ساله علت مرگ: خشم یک راننده!

۲

رهبر انقلاب در دیدار رئیس جمهوری
ترکمنستان و هیات همراه:

سیاست دولت
ایران گسترش
روابط با کشورهای
همسایه است

۴

قراگاه «خاتم الانبیا»
کار تخریب متروپل را عهده دار شد

قدردانی رئیس
از اقدامات
هلال احمر
در «متروپل»

۸

استقلالی ها پشخوان
فضای مجازی را
منفجر کردند!

۴

بانوان در دوره بازآموزی امدادی
توان و مهارت شان را محک زدند

زنان آماده
امداد و نجات

۱۱

گزارش «شهروند» از دلایل مرگ ۸ نفر
در آتش سوزی یک رستوران در شهریار

چشم آخر

۸

خط رو خط؛
یک مترو ۲۰ سانت
برای موتورسواران

نقشه جدید مدیریت شهری تهران
از راه رسید

۱۰

آبله میمونی چیست؟
علایم، راه انتشار و روش پیشگیری
نگران اپیدمی
بزرگ نباشید!



نقل قول

مدیر کل دفتر طراحی و تحلیل فرآیندهای مالیاتی:

اینفلوئنسرهای اظهارنامه مالیاتی ارایه کنند

مدیر کل دفتر طراحی و تحلیل فرآیندهای مالیاتی گفت: «اینفلوئنسرهای اظهارنامه مالیاتی» نسبت به ارائه اظهارنامه مالیاتی اقدام کنند.»



جهانگیر رحیمی اظهار کرد: «اسامی ۲۲۰ نفر از اینفلوئنسرهای شناسایی شده بر اساس بند ۶ تبصره ۶ بودجه در درگاه سازمان امور مالیاتی قرار گرفته است و این افراد تا پایان تیرماه فرصت دارند تا نسبت به تسلیم اظهارنامه اقدام کنند.» وی افزود: «بعد از این زمان نیز از آنجا که ممکن است اظهارنامه اصلاحی داده شود، مهلت دیگری به این افراد داده خواهد شد و سپس سازمان امور مالیاتی وارد رسیدگی به اظهارنامه‌های مالیاتی اینفلوئنسرهای می‌شود. سازمان در حال حاضر در حال جمع‌آوری اطلاعات اینفلوئنسرهاست تا این افراد در پایان مهلت قانونی نسبت به انجام تکالیف خود اقدام کنند و سازمان امور مالیاتی نیز نسبت به بررسی اظهارنامه‌ها ورود کند.»

معاون حمل و نقل سازمان راهداری اعلام کرد:

تعیین قیمت بلیت سفر اربعین همچنان در انتظار تصمیم‌گیری

«معاون حمل و نقل سازمان راهداری و حمل و نقل جاده‌ای از برنامه‌ریزی برای سفر زائران به عتبات عالیات در ایام اربعین امسال خبر داد و گفت: «قیمت بلیت وسایل حمل و نقل عمومی در دست بررسی است و به محض تعیین آن را اعلام می‌کنیم.» حمیدرضا شهرکی با اشاره به استفاده از تجارب سال‌های گذشته برای مدیریت بهتر سفرهای اربعین و کاهش مشکلات زائران، در پاسخ به سوالی درباره قیمت بلیت اتوبوس، مینی بوس و تاکسی برای سفرهای اربعین اعلام کرد: «از آنجا که همه رانندگان برای زائران در مسیر رفت و برگشت باید به صورت یکسر خالی حرکت کنند، پیشنهاد افزایش قیمت داده‌اند اما هنوز مورد تأیید یا مخالفت قرار نگرفته و به محض مشخص شدن نتیجه آن را اطلاع‌سانی می‌کنیم.» وی افزود: «بر اساس برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته سه حوزه کاری در بخش جاده‌ای قرارگاه اربعین امسال داریم.»

رہبر انقلاب در دیدار رئیس جمهوری ترکمنستان و هیات همراه: سیاست دولت ایران گسترش روابط با کشورهای همسایه است



روز گذشته، رئیس‌جمهوری ترکمنستان و هیات همراه با حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی، دیدار کردند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر انقلاب اسلامی در دیدار سردار بردی محمداف، رئیس‌جمهوری ترکمنستان و هیات همراه، گسترش و تعمیق هر چه بیشتر روابط را کاملاً به نفع هر دو کشور دانستند و گفتند: «سیاست دولت جمهوری اسلامی ایران، گسترش روابط با کشورهای همسایه است و این، سیاستی کاملاً درست است.»

ایشان با تأکید بر اینکه لازمه عبور از موانع منوط به عزم و اراده جدی دو کشور برای گسترش روابط است، افزودند: «البته روابط دوستانه میان ایران و ترکمنستان مخالفیتی در سطح منطقه و بین‌الملل دارد ولی باید بر موانع فائق آمد.»

رهبر انقلاب اسلامی تأکید کردند: «باید کمیسیون همکاری‌های مشترک میان دو کشور به صورت جدی فعال باشد و با پیگیری مستمر، توافق‌ها به سرانجام برسد.» در این دیدار که سید ابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهوری کشورمان نیز حضور داشت، سردار بردی محمداف، رئیس‌جمهوری ترکمنستان، گفت: «اولویت دولت ترکمنستان گسترش روابط با همسایگان است و تلاش داریم با توجه به اسناد همکاری که امروز امضا شد، روابط خوب دو کشور را در حوزه‌های مختلف به ویژه گاز، برق و حمل و نقل کالا و همچنین اجرای طرح‌های بزرگ بیش از پیش تحکیم ببخشیم.» رئیس‌جمهوری ترکمنستان با اشاره به سی‌امین سالگرد روابط دو کشور خطاب به رهبر انقلاب گفت: «از طرف خود و همچنین ملت ترکمنستان از جناب‌عالی به دلیل حمایت‌های همیشگی از تعمیق روابط ایران و ترکمنستان تشکر و قدردانی می‌کنم.»

رئیس‌جمهوری ترکمنستان گفت: «ما و ترکمنستان صرفاً رابطه همسایگی نیست، بلکه رابطه برادری، تمدنی و فرهنگی و به عبارت دیگر رابطه خویشاوندی است و این رابطه عمیق می‌تواند زمینه همکاری‌های فراوان میان دو کشور را فراهم کند.»

رئیس‌جمهوری اضافه کرد: «جادار د از رئیس‌جمهوری سابق ترکمنستان

اجتماعی، سیاسی، فرهنگی

www.shahrvand-newspaper.ir

عضو انجمن صنفی مدیران رسانه و شرکت تعاونی مطبوعات کشور
صاحب امتیاز:
جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران
مدیر مسئول: اسماعیل رمضان

دفتر مرکزی: تهران، فلکه دوم صادقیه، ابتدای بزرگراه جناح، کوچه شهید طاهریان، شماره ۲۴

کدپستی: ۱۴۸۱۶۳۵۳
فکس: ۴۴۹۵۶۱۰۰
تلفن: ۴۴۹۵۶۱۰۱-۸

تلفن سازمان آگهی‌ها: ۲-۴۴۹۵۶۲۰۰
فکس: ۴۴۹۵۶۱۰۷
سامانه پیامکی: ۵۰۰۰۲۶۶۲۰
www.shahrvandonline.ir
اینستاگرام شهروند: instagram.com/Shahrvandonline.ir

خبر

حفظ سهم نفت ایران در بازار چین بر اساس آمار اوپک

بر اساس آخرین گزارش اوپک، تولید نفت ایران نسبت به پیش از تنش نظامی بین روسیه و اوکراین نه تنها کاهش نداشته که نسبت به سه ماهه اول سال جاری میلادی ۱۶ هزار بشکه نیز بیشتر شده و از این رو، ایران نه تنها سهم خود را از بازار نفت چین از دست نداده که این سهم بیشتر نیز شده است. بر اساس آمارها، روسیه در این مدت نفت بیشتری به هند فروخته، اما میزان صادرات آن به چین تقریباً ثابت بوده است. این در شرایطی است که در داخل کشور، برخی از منتقدان دولت سیزدهم با جنگ رسانه‌ای شایعه جایگزینی نفت روسیه با نفت ایران در بازار چین هستند. نگاهی به آخرین گزارش اوپک اما این ادعا و شایعات را تکذیب می‌کند. بر اساس آخرین گزارش اوپک از تولید نفت اعضای آن در ماه گذشته میلادی، تولید نفت ایران در ماه می به ۲ میلیون و ۵۴۴ هزار بشکه در روز رسیده است. این در حالی است که تولید نفت ایران در سه ماهه اول سال جاری میلادی ۲ میلیون و ۵۲۸ هزار بشکه برآورد شده است که نشان می‌دهد تولید نفت ایران از زمان حمله روسیه به اوکراین نه تنها کاهش نداشته بلکه ۱۶ هزار بشکه نیز بیشتر شده است. بنابراین با توجه به ثابت بودن ظرفیت پالایشی کشور، مازاد تولید نفت خام کشور صرف صادرات شده است. این افزایش صادرات یا به مشتری سنتی ایران یعنی چین انجام شده یا بازار جدیدی برای نفت ایران ایجاد شده است که در هر دو حالت نشان‌دهنده دیپلماسی فعال ایران در بازاربابی نفت خام و استفاده از روش‌های نوین فروش است.

کیوسک

دیلی تلگراف

«قضات اروپایی پرواز مهاجران به رواندا را متوقف کردند» عنوان گزارش اصلی روزنامه دیلی تلگراف است. این روزنامه در گزارش خود آورده: «تمام پروازهای انتقال به رواندا اکنون ممکن است هفته‌ها متوقف شود تا اینکه بررسی کامل قضائی درباره این سیاست انجام شود.» تلگراف گفته وزیران همچنین ممکن است چشم‌پوشی از عضویت در دادگاه حقوق بشر اروپا در نظر بگیرند.



گاردین

صفحات نخست بسیاری از روزنامه‌های بریتانیایی اولین پرواز پناهجویان را به رواندا پوشش داده‌اند. که در آخرین لحظه با حکم دادگاه حقوق بشر اروپا لغو شد. «حکم اروپایی طرح رواندا را به هر چه و مر ج می‌کشاند» عنوان گزارش اصلی گاردین است که گفته برنامه تبعید هزاران پناهجو به رواندا در نتیجه این حکم به ورطه هر چه و مر ج فرو رفته و آن را ضربه سختی برای پوریس جانسون، نخست‌وزیر بریتانیایی داند.



چاینادیلی

«به ایالات متحده درباره «توهم» در مورد تایوان هشدار داده شد» عنوان گزارش اصلی چاینادیلی است: «پکن به واشنگتن هشدار داده که هیچ اشتباهی نکند یا توهمی در بازی با کارت تایوان برای مهار چین نداشته باشد و گفته این ملت مصمم و قادر است از حاکمیت و تمامیت ارضی خود دفاع کند. یانگ جیجی، دیپلمات ارشد چینی دوشنبه در دیدار با جیک سالوان، مشاور امنیت ملی آمریکا، در لوکزامبورگ، مجدداً تأکید کرد مساله تایوان از مسائل بنیادی سیاسی در روابط چین و آمریکا است که اگر به درستی اداره نشود، تأثیر مخرب خواهد داشت.»



هشتگ روز

#شهریار

#فضای-مجازی

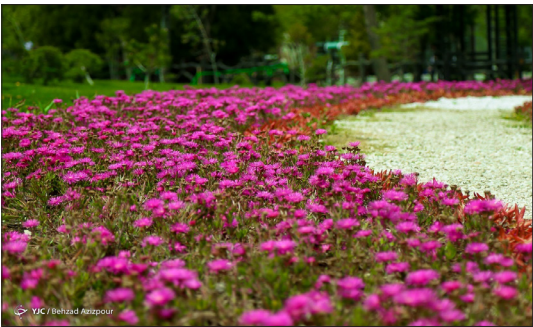
«تسلیت به #شهریاری‌های عزیز بابت کشته‌شدگان حادثه انفجار در کافه. حداقل چهار کودک چهار، پنج ساله در بین کشته‌شدگان بودند.» یا «در ایران مرگ بر اثر حادثه یک امروز روزه و عادی به #شهریار.» یا «در مورد حادثه #شهریار، گفته شد انفجار #بادکنک هلیوم باعث آتش سوزی شده اقایون دانشمند، گاز هلیوم نه قابلیت انفجار داره نه آتیش می‌گیره، اصلاً هلیوم هیچ واکنش شیمیایی نداره! برید بررسی کنید، اون بادکنک‌ها چه کاری بر شده بود، نکنه با گاز شهری پر شده بود؟» یا «در حادثه دیشب در #شهریار اعلام کردند ۸ نفر در اثر #انفجار بادکنک‌های هلیومی جان خود را از دست داده‌اند! هلیوم گازی نجیب و غیرقابل اشتعال است و احتمالاً #فروشنده بادکنک‌ها از گاز دیگه‌ای مثل هیدروژن استفاده کرده! همین منفعت طلبی باعث مرگ ۸ نفر شده. کی وقت کردیم این قدر بد بشیم؟» یا «التماس می‌کنیم حتی برای یک روز مرگ دست از سر ما بردارد....» یا «نتیجه کار کانسبای بی سواد و پول محور میشه حادثه #شهریار که بادکنک رویه جای هلیوم با نیتروژن پر می‌کنی تا رزون تر در بیاد و #جشن تولد به خانواده رو به مجلس عزت تبدیل می‌کنی.» یا «با افزایش قیمت گاز #هلیوم، فروشندگان بادکنک‌های تولد از گاز #هیدروژن به عنوان جایگزین استفاده می‌کنند. همین مساله باعث مرگ چند هموطن در #شهریار شده است از جمله ۳ کودک بیگناه!»

«متأسفانه آقایون و خانما به شدت تحت تأثیر فضای مجازی قرار گرفتن و بر همین معیار فقط زیبایی شده. آدم وقتی درون زشتی داشته باشه زیباییش به چشم نیامد، میشه زیبا نبود، ولی بهترین زندگی و خوشبختی رو داشت. متأسفانه کسی به این چیز توجه نمی‌کنه.» یا «پارلمان ژاپن قانون جدیدی برای مجازات افرادی که بابت توهمین و نفرت پراکنی در فضای مجازی گناهکار شناخته شوند، تصویب کرد. بر اساس این قانون، توهمین آنلاین می‌تواند برای فرد مجرم تا یک سال زندان یا جریمه‌ای حدود ۴ هزار یورو (۲ هزار و ۲۰۰ دلار) به دنبال داشته باشد.» یا «یکی از حماقت‌های رایج در فضای رسانه‌ای بخصوص مجازی هم این‌ه که تا گفته می‌شه فلانی برای این مسئولیت مناسب نبود، حتماً باید از هستی ساقط بشه، با با طرف تراشکار خوبی نیست، اما ممکنه مکانیک، عطار یا شیرینی فروش خوبی باشه. چرا فکر می‌کنید از امروز باید بره تو خونه سمنای بمکه؟» یا «یکی از دلایل اصلی افسردگی روفضای مجازی می‌دونم. فکر کن پدر خانواده اول صبح بلند میشه چند تالکلیپ می‌بینه که همه دارن می‌نالن، دلار گرون شد، فلان جا تصادف شده ۴ نفر مردن، زمان شاه توی جوی غسل بودیم و اینا، خدایبی حسی واسه کار کردن میمونه؟»

عکس خبر



ایسنا- اینجا نقطه پایان مسیر طولانی زاینده رود است؛ جایی که پس از طی حدود ۴۰۰ کیلومتر از نقطه آغاز سفرش از دامنه های خاوری ارتفاعات زاگرس و عبور از یک راه طولانی، پریپیچ و خم و دشوار، در روزگاران گذشته در این نقطه پایان، آرام می گرفته است. زاینده رود در بهمن ماه سال ۱۴۰۱ به مدت ۱۰ روز برای کشاورزان شرق اصفهان باز شد که دور روز تارسیدن آب به کانال های کشاورزان زمان برد و عملاً هشت روز آب تحویل کشاورزان شرق اصفهان شد. از بهمن ماه ۱۴۰۱ تا به امروز حقابه کشاورزان شرق در پنج مرحله و به مدت ۱۰ روز تحویل داده شد و این میزان آب به قدری بود که در سال آبی جاری، تنها ۳۰ درصد اراضی شرق اصفهان زیر کشت غله و گلرنگ رفت.



باشگاه خبرنگاران جوان - روز ملی گل و گیاه هر سال در تاریخ ۲۵ خرداد ماه مصداق با ۱۵ ژوئن روز جهانی گل و گیاه، با هدف ترویج فرهنگ نگهداری و استفاده درست از گل ها و گیاهان برگزار می شود. نامگذاری این روز در تقویم ملی به دلیل اهمیت بسیار زیادی است که گل و گیاه در زندگی انسان ها دارد.



واحد مرکزی خبر- مخازن آمونیاک کارخانه کربنات سدیم کاوه در شهرستان فیروزآباد پس از انفجار، این حادثه در مجموع ۱۴۹ مصدوم داشته است که با ترکیب ۱۲۶ مصدوم، در حال حاضر ۲۳ مصدوم بستری بوده و خدمات درمانی لازم به آنان ارایه می شود.



تسنیم- دره خزینه که در اثر فرسایش و طی سالیان دراز به شکل شگفت انگیز کنونی درآمده است، در میانه جاده پلدختر به سمت اندیمشک قرار گرفته است. این دره در نزدیکی روستایی به نام پلدختر واقع شده است و ورود خانه سیمره از وسط آن عبور می کند که زیبایی دره را دوچندان کرده است.

عددخبر

افزایش قیمت نفت سنگین ایران

جدیدترین گزارش ماهانه اوپک نشان داد که قیمت نفت سنگین ایران ماه میلادی گذشته ۸.۷ درصد رشد کرد.

به گزارش ایسنا، قیمت هر بشکه نفت سنگین ایران در ماه مه به ۱۱۵ دلار و ۴۸ سنت رسید که ۹ دلار و ۲۰ سنت معادل ۸.۷ درصد در مقایسه با قیمت ۱۰۶ دلار و ۲۸ سنت در آوریل، افزایش داشت.

میانگین قیمت نفت سنگین ایران از ابتدای سال ۲۰۲۲ تاکنون، به ۱۰۲ دلار و ۹۲ سنت در مقایسه با میانگین قیمت ۶۱ دلار و ۹۴ سنت در مدت مشابه سال ۲۰۲۱ رسید. ارزش سید نفتی اوپک در ماه مه

رشد چشمگیری پیدا کرد و به ۱۱۳ دلار و ۸۷ سنت در هر بشکه رسید که هشت دلار و ۲۳ سنت معادل ۷.۸ درصد در مقایسه با آوریل افزایش

نشان داد. میانگین ارزش سید نفتی اوپک از ابتدای سال ۲۰۲۲ تاکنون، به ۱۰۲ دلار و ۸۰ سنت در هر بشکه در مقایسه با ۶۲ دلار و ۱۶ سنت در مدت مشابه سال ۲۰۲۱ رسید. طبق گزارش منابع ثانویه، تولید نفت اوپک متشکل از ۱۳ کشور، در

ماه مه به ۲۸.۵۱ میلیون بشکه در روز رسید که ۱۷۶ هزار بشکه در روز کاهش ماه به ماه داشت. تولید نفت این گروه عمدتاً در عربستان سعودی،

امارات متحده عربی و کویت افزایش پیدا کرد اما در لیبی، نیجریه، عراق، گابن و ایران کاهش داشت. تولید نفت ایران در ماه مه به ۲.۵۴۴ میلیون بشکه در روز رسید

که ۲۰ هزار بشکه در روز در مقایسه با سطح تولید ۲.۵۶۵ میلیون بشکه در روز در آوریل، کمترین بود.

اینفوگرافی



چهره روز

علیرضا جاویدنیا و چمدان های پول تزریق حال خوب به مردم

علیرضا جاویدنیا که در «شب جاوید» رادیو صبا به معرفی آدم های سرشناس محله های قدیمی می پردازد، به ارایه توضیحاتی درباره تجربه های خود در اجرای برنامه های طنز رادیویی پرداخت.

این گوینده و بازیگر رادیو درباره تجربه حضورش در این سال ها در برنامه های رادیویی تصریح کرد: «موقعیت های مختلفی برای من پیش آمده که انسان های سرشناس و موفق یا مردم عادی و سختکوشی که مرا می بینند از لحظاتی که صدای من را از آنتن رادیو شنیده اند به نیکی یاد می کنند و این بهترین و ارزشمندترین چیزی است که من دارم.»

جاویدنیا اظهار کرد: «چیز دیگری که مرا بسیار خوشحال می کند این است که برخی از مردم با ابراز لطف به من و همکارانم می گویند لبخندی که شما بر لب ما نشان دید بهانه رفع خیلی از کدورت ها در خانواده و جمع دوستان شده و این از افتخارات من است.» گوینده طنز رادیو در ادامه درباره علاقه به کارش بیان کرد: «کار را دوست دارم و به مردم عشق می ورزم، برای همین قبل از حضور در استودیو تمام دغدغه ها و ناراحتی های شخصی ام را پشت در می گذارم.»

این گوینده اضافه کرد: «گاهی پیامک ها و تماس هایی از طرف مردم داریم که تصور می کنند این لبخند روی لب و انرژی ما گوینده ها، به خاطر چمدان، چمدان پول هایی است که با اجرای برنامه به خانه می بریم که فقط همکاران ما می دانند تنها چیزی که حال ما را خوب می کند، تزریق حال خوب به مردم است و باز خورد هایی که از پیامک ها و تماس های آنها در برنامه می گیریم.»



کمیسیون اصل (۹۰) استنفاف رئیس جمهوری سابق و معاونش را محرز دانست

صالحی: همه موارد ذکر شده در قانون راهبردی لغو تحریم ها عمل شده است

۱۲۰ کیلوگرم اورانیوم ۲۰ درصد تولید می کردیم که برای مثال به جای ۱۲۰ کیلو، چند برابر این مقدار در زمان تعیین شده تولید شده است. از این رو تاکید دارم که همه موارد ذکر شده در قانون مذکور در هماهنگی با مراجع ذی ربط و در چارچوب توصیه ها و مصوبات آن مراجع عمل شده است.»

صالحی گفت: «در گزارش به تاریخی اشاره شده است که قبلاً درباره آن از سوی آقای کمالوندی در کمیسیون اصل نود توضیح داده شده بود مبنی بر اینکه درج این تاریخ، اشتباه تایپی بوده که در برنامه ای ممکن است از این اشتباهات رخ دهد، اما متأسفانه در این گزارش به عنوان تخطی سازمان انرژی اتمی از آن نام برده شده است.»

رئیس پیشین سازمان انرژی اتمی خاطرنشان کرد: «پاسخ به ابهامات و سوالات نمایندگان در زمان خودش در کمیسیون اصل نود ارایه شده است. چنانچه نمایندگان محترم مجلس و نیز کمیسیون اصل نود مصلحت بدانند، می توانند پاسخ های حقوقی سازمان انرژی اتمی را برای تنویر افکار عمومی منتشر کنند یا اجازه دهند تا سازمان انرژی اتمی رأسا این کار را انجام دهد، زیرا تمامی مستندات اقدامات سازمان موجود است.»

صالحی گفت: «افتخار می کنم که سازمان انرژی اتمی که از سوی برخی ادعای شد «فاتحه اش خوانده شده است» یا «نابود شده» توانست بعد از تصویب قانون راهبردی لغو تحریم های مجلس اقدامات سریع و حیرت آوری از جمله راه اندازی خط تولید اورانیوم ۲۰ و ۶۰ درصد، ساخت هزار دستگاه سانتریفیوژ IR-۶۰ در کمتر از یک سال یا تولید اورانیوم فلزی و... را به خوبی انجام دهد.»

شایان ذکر است که قانون «اقدام راهبردی برای لغو تحریم ها و صیانت از منافع ملت ایران» در تاریخ ۱۲ آذرماه ۱۳۹۹ به تصویب مجلس شورای اسلامی و سپس تایید شورای محترم نگهبان رسیده است. این قانون در پنج ماده، به صورت صریح و خاص، وظایف مشخصی را برای سازمان انرژی اتمی ایران تعیین و آن سازمان را موظف به اجرای مفاد آنها کرده است.

نمایندگان مجلس شورای اسلامی در جلسه علنی دیروز (چهارشنبه) مجلس گزارش کمیسیون اصل (۹۰) قانون اساسی در مورد نحوه اجرای قانون اقدام راهبردی برای لغو تحریم ها و صیانت از منافع ملت ایران را بررسی کردند.

در متن این گزارش که توسط علی خضریان، سخنگوی کمیسیون اصل نود مجلس شورای اسلامی، قرائت شد، آمده است: «به اطلاع ملت شریف ایران و نمایندگان مجلس شورای اسلامی می رساند، با توجه به تصریح ماده ۸ قانون مبنی بر اینکه «مسئول اجرای صحیح و کامل این قانون، رئیس جمهوری، مقامات، مدیران مربوط و دستگاه های اجرایی ذی ربط می باشند»، استنفاف رئیس سابق سازمان انرژی اتمی و همچنین رئیس جمهوری سابق از انجام وظایف مصرح در قانون «اقدام راهبردی برای لغو تحریم ها و صیانت از منافع ملت ایران» برای کمیسیون اصل نود محرز گردیده است و موضوع برای رسیدگی به مراجع قضائی ارسال می شود. ضمناً حکم مستنفاف از اجرای این قانون نیز در ماده نهم آن تعیین شده است.» (ماده ۹- مستنکفین از اجرای این قانون به تناسب امتناع یا ممانعت از اجرا به مجازات تعزیری درجه دو تا پنج قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ محکوم می شوند.)

واکنش صالحی به گزارش کمیسیون اصل نود

رئیس پیشین سازمان انرژی اتمی گفت: «همه موارد ذکر شده در قانون راهبردی لغو تحریم های مجلس در هماهنگی با مراجع ذی ربط و در چارچوب توصیه ها و مصوبات آن مراجع، عمل شده است.»

علی اکبر صالحی با اشاره به انتشار گزارش کمیسیون اصل نود مجلس شورای اسلامی مبنی بر محرز شدن استنفاف رئیس جمهوری سابق و معاونش از اجرای قانون راهبردی لغو تحریم ها گفت: «در خصوص نظراتی که در این گزارش آمده است، قبلاً به همه آنها به طور کتبی توسط سازمان انرژی اتمی پاسخ داده شده است.»

او افزود: «از نظر منطقی اصل قانون راهبردی لغو تحریم ها، ناظر به نتیجه است یعنی باید در زمان مقرر

خبر

تب بازار فروکش کرد

افت ۶۰۰ هزار تومانی قیمت سکه و ۲ هزار تومانی دلار



نرخ ارز، آرامش به بازار طلاوسکه بازگشت و قیمت ها کاهش یافت.

«محمد کشتی آرای» در خصوص وضعیت بازار طلاوسکه، اظهار داشت: «روز گذشته شاهد افزایش قیمت انواع سکه و طلا بودیم و رکورد جدیدی ثبت شد.» او افزود: «باتوجه به اقدامات بانک مرکزی در خصوص کنترل بازار ارز و تزریق ارز به بازار باعث کاهش نرخ ارز شد و در کنار این افت قیمت، بهای انس جهانی طلا نیز کاهش یافت که این دو عامل موجب کاهش قیمت طلاوسکه در داخل شد.»

کشتی آرای توضیح داد: «وقتی قیمت ها افزایش می یابد، خریدار در بازار وجود دارد، اما فروشندهان چون گمان می کنند قیمت ها افزایش می یابد، معمولاً تمایلی به فروش ندارند ولی با گذشت زمان بازار طلاهیجانی بود، اما امروز دوباره با اقدامات بانک مرکزی و کاهش

ارز هستند، چون باید ارز را با مسئولیت خود خریداری کنند، زیرا روند کاهشی قیمت ادامه خواهد داشت.»

او توضیح داد: «در بحث فروش ارز بر اساس مصوبه بانک مرکزی سقف ۲ هزار دلار برای هر نفر در مصارف سایر (خریدار از صرافی با کارت ملی و بدون مدارک مسافرتی، درمانی، دانشجویی و...) در نظر گرفته شده است. منظور از مصارف سایر، مصارفی است که

ارز هستند، چون باید ارز را با مسئولیت خود خریداری کنند، زیرا روند کاهشی قیمت ادامه خواهد داشت.»

او توضیح داد: «در بحث فروش ارز بر اساس مصوبه بانک مرکزی سقف ۲ هزار دلار برای هر نفر در مصارف سایر (خریدار از صرافی با کارت ملی و بدون مدارک مسافرتی، درمانی، دانشجویی و...) در نظر گرفته شده است. منظور از مصارف سایر، مصارفی است که

«احمد لواسانی» روز گذشته در خصوص آخرین وضعیت بازار ارز، با اشاره به تداوم روند افزایش عرضه ارز در مقابل کاهش تقاضا در صرافی ها، اظهار کرد: «قیمت دلار در بازار ارز بین ۳۱ هزار و ۵۰۰ تومان تا ۳۱ هزار و ۸۰۰ تومان در نوسان است.»

رئیس سابق کانون صرافان با بیان اینکه نرخ ارز در چهار روز گذشته به طور میانگین روزانه ۵۰۰ تومان کاهش یافته است، افزود: «با توجه به اجازه ای که به صرافی ها برای خرید ارز صادرکنندگان داده شده، قیمت دلار در برخی از صرافی ها کمتر از ۳۱ هزار و ۵۰۰ تومان هم عرضه می شود، زیرا صرافان با صادرکنندگان توافق می کنند و به متقاضیان می فروشند و ارز در بازار موجود است.» او با بیان اینکه در بازار ارز تقاضا به صورت جدی وجود ندارد، ادامه داد: «صرافان بیشتر نگران خرید

رهبر انقلاب در دیدار رئیس جمهوری ترکمنستان و هیات همراه:

سیاست دولت ایران گسترش روابط با کشورهای همسایه است



روز گذشته، رئیس جمهوری ترکمنستان و هیات همراه با حضرت آیت الله خامنه ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی، دیدار کردند.

حضرت آیت الله خامنه ای، رهبر انقلاب اسلامی در دیدار سردار بردی محمداف، رئیس جمهوری ترکمنستان و هیات همراه، گسترش و تعمیق هر چه بیشتر روابط را کاملاً به نفع هر دو کشور دانستند و گفتند: «سیاست دولت جمهوری اسلامی ایران، گسترش روابط با کشورهای همسایه است و این، سیاستی کاملاً درست است.»

ایشان با تأکید بر اینکه لازمه عبور از موانع منوط به عزم و اراده جدی دو کشور برای گسترش روابط است، افزودند: «البته روابط دوستانه میان ایران و ترکمنستان مخالفینی در سطح منطقه و بین الملل دارد ولی باید بر موانع فائق آمد.»

رهبر انقلاب اسلامی تأکید کردند: «باید کمیسیون همکاری های مشترک میان دو کشور به صورت جدی فعال باشد و با پیگیری مستمر، توافق ها به سرانجام برسد.» در این دیدار که سید ابراهیم رئیسی، رئیس جمهوری کشورمان نیز حضور داشت، سردار بردی محمداف، رئیس جمهوری ترکمنستان، گفت: «اولویت دولت ترکمنستان گسترش روابط با همسایگان است و تلاش داریم با توجه به اسناد همکاری که امروز امضا شد، روابط خوب دو کشور را در حوزه های مختلف به ویژه گاز، برق و حمل و نقل کالا و همچنین اجرای طرح های بزرگ بیش از پیش تحکیم ببخشیم.» رئیس جمهوری ترکمنستان با اشاره به سی امین سالگرد روابط دو کشور خطاب به رهبر انقلاب گفت: «از طرف خود و همچنین ملت ترکمنستان از جنابعالی به دلیل حمایت های همیشگی از تعمیق روابط ایران و ترکمنستان تشکر و قدردانی می کنم.»

رئیس: مصمم به امضای سند همکاری ۲۰ ساله با ترکمنستان هستیم

همچنین سید ابراهیم رئیسی، رئیس جمهوری، صبح دیروز پس از

استقبال رسمی از همتای ترکمنستانی خود و امضای ۹ سند همکاری میان ایران و ترکمنستان، در کنفرانس مطبوعاتی مربوط به این دیدار حضور یافت و گفت: «لازم می دانم از رئیس جمهوری ترکمنستان برای حضورشان در کشور جمهوری اسلامی ایران واجابت دعوت ماتشکر کنم.»

وی افزود: «بدون تردید حضور رئیس جمهوری ترکمنستان و هیات محترم همراه او به عنوان کشور عالی رتبه دوست و همسایه ما می تواند نقطه عطف روابط دو کشور باشد. مادر سه دهه گذشته روابط بسیار خوبی با کشور ترکمنستان داشته ایم.»

رئیس جمهوری بیان کرد: «سفر چند ماه گذشته بنده به عشق آباد، برخی از همکاری ها میان ایران و ترکمنستان به ویژه در زمینه سوآپ گازی و حمل و نقل تقویت کرد و قدم های بسیار خوبی در این زمینه هابر داشته شد.»

رئیس با بیان اینکه ظرفیت برای همکاری میان دو کشور بیش از میزانی است که امروز صورت گرفت، تصریح کرد: «به نظر من باید در حوزه های اقتصادی، تجاری، آب، برق و گاز میان دو کشور همکاری های بیشتری صورت گیرد و تفاهمنامه ها و قراردادهای میان دو کشور به سطح بسیار بالاتری ارتقا پیدا کند.»

وی خاطرنشان کرد: «رابطه ما و ترکمنستان صرفاً رابطه همسایگی نیست، بلکه رابطه برادری، تمدنی و فرهنگی و به عبارت دیگر رابطه خویشاوندی است و این رابطه عمیق می تواند زمینه همکاری های فراوان میان دو کشور را فراهم کند.»

رئیس جمهوری اضافه کرد: «جادارد از رئیس جمهوری سابق ترکمنستان

رئیس در پایان بیان کرد: «بار دیگر از حضور رئیس جمهوری ترکمنستان و هیات عالی رتبه ترکمنستان تشکر می کنم و امیدوار هستم منشأ توسعه روابط و برکات میان دو کشور باشد.»

دعوت از «رئیس» برای شرکت در اجلاس کشورهای حاشیه خزر

در ادامه این کنفرانس مطبوعاتی، سردار بردی محمداف، رئیس جمهوری ترکمنستان اظهار داشت: «در حال حاضر، مذاکرات میان هیات های اجرایی ترکمنستان و ایران با موفقیت انجام شد. گفت وگوها در فضای شفاف و احترام متقابل میان دو کشور صورت گرفت و زمینه ها و چشم انداز روابط دو جانبه مورد بحث و بررسی قرار گرفت.»

وی با اشاره به مباحث مطرح شده در گفت وگوها میان روسای جمهوری ایران و ترکمنستان، تصریح کرد: «در جهت گسترش همکاری های بازرگانی و اقتصادی و افزایش حجم مبادلات تجاری، مذاکراتی صورت گرفت. بخش انرژی و حمل و نقل از جمله موارد مهم و استراتژیک فی مابین بود و تمام تلاش های خود را برای توسعه همه جانبه این موارد ادامه خواهیم داد. هر دو کشور مصمم به گسترش تعامل فرهنگی و انسان دوستی میان دو کشور و مردم آن هستند.»

رئیس جمهوری ترکمنستان اضافه کرد: «از آقای رئیسی و مسئولان ایران برای حمایت از ابتکارات ترکمنستان در مجامع بین المللی تشکر می کنیم.»

محمداف با بیان اینکه روابط در حوزه خزر نیز در مذاکرات ما مورد توجه قرار گرفت، اعلام کرد: «با احترام فراوان از رئیس جمهوری محترم ایران دعوت کردم در ششمین اجلاس کشورهای حاشیه خزر که امسال برگزار خواهد شد، حضور پیدا کنند.»

وی گفت: «در مذاکرات امروز به مساله افغانستان نیز توجه شد. کشورهای ما خواهان این هستند که افغانستان به دولتی شکوفا تبدیل شود و در مشارکت های مهم ملی و منطقه ای مشارکت داشته باشد.»

مدیر کل دفتر طراحی و تحلیل فرآیندهای مالیاتی:

اینفلوئنسرهای اظهارنامه مالیاتی

ارایه کنند

مدیر کل دفتر طراحی و تحلیل فرآیندهای مالیاتی گفت: «اینفلوئنسرهای پایان تیرماه فرصت دارند تا نسبت به ارائه اظهارنامه مالیاتی اقدام کنند.»

جهانگیر رحیمی اظهار کرد: «اسامی ۲۲۰ نفر از اینفلوئنسرهای شناسایی شده بر اساس بند «ذ» تبصره ۶ بودجه در درگاه سازمان امور مالیاتی قرار گرفته است و این افراد تا پایان تیرماه فرصت دارند تا نسبت به تسلیم اظهارنامه اقدام کنند.» وی افزود: «بعد از این زمان نیز از آنجا که ممکن است اظهارنامه اصلاحی داده شود، مهلت دیگری به این افراد داده خواهد شد و سپس سازمان امور مالیاتی وارد رسیدگی به اظهارنامه های مالیاتی اینفلوئنسرهای می شود. سازمان در حال حاضر در حال جمع آوری اطلاعات اینفلوئنسرهاست تا این افراد در پایان مهلت قانونی نسبت به انجام تکالیف خود اقدام کنند و سازمان امور مالیاتی نیز نسبت به بررسی اظهارنامه ها ورود کند.»

معاون حمل و نقل سازمان راهداری اعلام کرد:

تعیین قیمت بلیت سفر اربعین

همچنان در انتظار تصمیم گیری

«معاون حمل و نقل سازمان راهداری و حمل و نقل جاده ای از برنامه ریزی برای سفر زائران به عتبات عالیات در ایام اربعین امسال خبر داد و گفت: «قیمت بلیت وسایل حمل و نقل عمومی در دست بررسی است و به محض تعیین آن را اعلام می کنیم.» حمیدرضا شهرکی با اشاره به استفاده از تجارب سال های گذشته برای مدیریت بهتر سفرهای اربعین و کاهش مشکلات زائران، در پاسخ به سوالی درباره قیمت بلیت اتوبوس، مینی بوس و تاکسی برای سفرهای اربعین اعلام کرد: «از آنجا که همه رانندگان برای زائران در مسیر رفت و برگشت باید به صورت یکسر خالی حرکت کنند، پیشنهاد افزایش قیمت داده اند اما هنوز مورد تأیید یا مخالفت قرار نگرفته و به محض مشخص شدن نتیجه آن را اطلاع سانی می کنیم.» وی افزود: «بر اساس برنامه ریزی های صورت گرفته سه حوزه کاری در بخش جاده ای قرارگاه اربعین امسال داریم.»



عضو انجمن صنفی مدیران رسانه و شرکت تعاونی مطبوعات کشور
صاحب امتیاز:
جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران
مدیر مسئول: اسماعیل رمضانی

دفتر مرکزی: تهران، فلکه دوم صادقیه، ابتدای بزرگراه جناح، کوچه شهید طاهریان، شماره ۲۴

کدپستی: ۱۴۸۱۶۳۵۳۳
فکس: ۴۴۹۵۶۱۰۰
تلفن: ۴۴۹۵۶۱۰۱-۸

تلفن سازمان آگهی ها: ۲-۴۴۹۵۶۲۰۰
فکس: ۴۴۹۵۶۱۰۷
سامانه پیامکی: ۵۰۰۰۲۶۲۶۲
سایت شهروند: www.shahrvandonline.ir
اینستاگرام شهروند: instagram.com/Shahrvandonline.ir

حفظ سهم نفت ایران در بازار چین بر اساس آمار اوپک

بر اساس آخرین گزارش اوپک، تولید نفت ایران نسبت به پیش از تنش نظامی بین روسیه و اوکراین نه تنها کاهش نداشته که نسبت به سه ماهه اول سال جاری میلادی ۱۶ هزار بشکه نیز بیشتر شده و از این رو، ایران نه تنها سهم خود را از بازار نفت چین از دست نداده که این سهم بیشتر نیز شده است. بر اساس آمارها، روسیه در این مدت نفت بیشتری به هند فروخته، اما میزان صادرات آن به چین تقریباً ثابت بوده است. این در شرایطی است که در داخل کشور، برخی از منتقدان دولت سیزدهم با جنگ رسانه ای شایعه جایگزینی نفت روسیه با نفت ایران در بازار چین هستند. نگاهی به آخرین گزارش اوپک اما این ادعا و شایعات را تکذیب می کند. بر اساس آخرین گزارش اوپک از تولید نفت اعضای آن در ماه گذشته میلادی، تولید نفت ایران در ماه می به ۲ میلیون و ۵۴۴ هزار بشکه در روز رسیده است. این در حالی است که تولید نفت ایران در سه ماهه اول سال جاری میلادی ۲ میلیون و ۵۲۸ هزار بشکه برآورد شده است که نشان می دهد تولید نفت ایران از زمان حمله روسیه به اوکراین نه تنها کاهش نداشته بلکه ۱۶ هزار بشکه نیز بیشتر شده است. بنابراین با توجه به ثابت بودن ظرفیت پالایشی کشور، مازاد تولید نفت خام کشور صرف صادرات شده است. این افزایش صادرات یا به مشتری سنتی ایران یعنی چین انجام شده یا بازار جدیدی برای نفت ایران ایجاد شده است که در هر دو حالت نشان دهنده دیپلماسی فعال ایران در بازاربابی نفت خام و استفاده از روش های نوین فروش است.

دیلی تلگراف

«قضات اروپایی پرواز مهاجران به رواندا را متوقف کردند» عنوان گزارش اصلی روزنامه دیلی تلگراف است. این روزنامه در گزارش خود آورده: «تمام پروازهای انتقال به رواندا اکنون ممکن است هفته ها متوقف شود تا اینکه بررسی کامل قضائی درباره این سیاست انجام شود.» تلگراف گفته وزیران همچنین ممکن است چشم پوشی از عضویت در دادگاه حقوق بشر اروپا در نظر بگیرند.



گاردین

صفحات نخست بسیاری از روزنامه های بریتانیایی اولین پرواز پناهجویان راه به رواندا پوشش داده اند. که در آخرین لحظه با حکم دادگاه حقوق بشر اروپا لغو شد. «حکم اروپایی طرح رواندا راه هر چه و مر ج می کشاند» عنوان گزارش اصلی گاردین است که گفته برنامه تبعید هزاران پناهجو به رواندا در نتیجه این حکم به ورطه هر چه و مر ج فرو رفته و آن را ضربه سختی برای پوریس جانسون، نخست وزیر بریتانیایی داند.



چاینادیلی

«به ایالات متحده درباره «توهم» در مورد تایوان هشدار داده شد» عنوان گزارش اصلی چاینادیلی است: «پکن به واشنگتن هشدار داده که هیچ اشتباهی نکند یا توهمی در بازی با کارت تایوان برای مهار چین نداشته باشد و گفته این ملت مصمم و قادر است از حاکمیت و تمامیت ارضی خود دفاع کند. یانگ جیجی، دیپلمات ارشد چینی دوشنبه در دیدار با جیک سالویان، مشاور امنیت ملی آمریکا، در لوکزامبورگ، مجدداً تأکید کرد مساله تایوان از مسائل بنیادی سیاسی در روابط چین و آمریکا است که اگر به درستی اداره نشود، تأثیر مخرب خواهد داشت.»



#فضای- مجازی

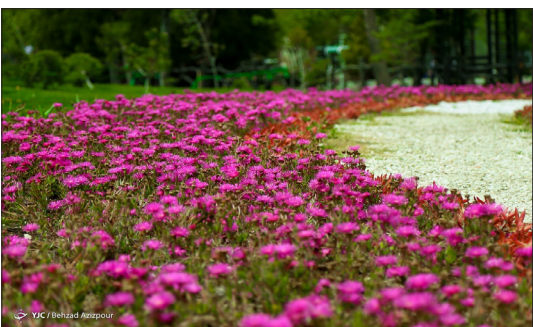
#شهریار

«تسلیت به #شهرداری های عزیز بابت کشته شدگان حادثه انفجار در کافه. حداقل چهار کودک چهار، پنج ساله در بین کشته شدگان بودند.» یا «در ایران مرگ بر اثر حادثه یک امروز روزه و عادی #شهریار.» یا «در مورد حادثه #شهریار، گفته شد انفجار #بادکنک هلیوم باعث آتش سوزی شده اقایون دانشمند، گاز هلیوم نه قابلیت انفجار داره نه آتیش می گیره، اصلاً هلیوم هیچ واکنش شیمیایی نداره! برید بررسی کنید، اون بادکنک ها چه گاز پر شده بود، نکنه با گاز شهری پر شده بود؟» یا «در حادثه دیشب در #شهریار اعلام کردند ۸ نفر در اثر #انفجار بادکنک های هلیومی جان خود را از دست داده اند! هلیوم گازی نجیب و غیر قابل اشتعال است و احتمالاً #فروشنده بادکنک ها از گاز دیگه ای مثل هیدروژن استفاده کرده! همین منفعت طلبی باعث مرگ ۸ نفر شده. کی وقت کردیم این قدر بد بشیم؟» یا «التماس می کنیم حتی برای یک روز مرگ دست از سر ما بردارد....» یا «نتیجه کار کاسبای بی سواد و پول محور میشه حادثه #شهریار که بادکنک رویه جای هلیوم با نیتروژن پر می کنی تا رزون تر در بیاد و #جشن تولد به خانواده رو به مجلس عزت تبدیل می کنی.» یا «با افزایش قیمت گاز #هلیوم، فروشندگان بادکنک های تولد از گاز #هیدروژن به عنوان جایگزین استفاده می کنند. همین مساله باعث مرگ چند هموطن در #شهریار شده است از جمله ۳ کودک بیگناه!»

«متأسفانه آقایون و خانما به شدت تحت تأثیر فضای مجازی قرار گرفتن و بر همین معیار فقط زیبایی شده. آدم وقتی درون زشتی داشته باشه زیباییش به چشم نیامد، میشه زیبا نبود، ولی بهترین زندگی و خوشبختی رو داشت. متأسفانه کسی به این چیزا توجه نمیکنه.» یا «پارلمان ژاپن قانون جدیدی برای مجازات افرادی که بابت توهمین و نفرت پراکنی در فضای مجازی گناهکار شناخته شوند، تصویب کرد. بر اساس این قانون، توهمین آنلاین می تواند برای فرد مجرم تا یک سال زندان یا جریمه ای حدود ۴ هزار یمن (حدود ۲ هزار و ۲۰۰ دلار) به دنبال داشته باشد.» یا «یکی از حماقت های رایج در فضای رسانه ای بخصوص مجازی هم اینه که تا گفته می شه فلانی برای این مسئولیت مناسب نبود، حتماً باید از هستی ساقط بشه، با با طرف تراشکار خوبی نیست، اما ممکنه مکانیک، عطار یا شیرینی فروش خوبی باشه. چرا فکر می کنید از امروز باید بره تو خونه سمنای بمکه؟» یا «یکی از دلایل اصلی افسردگی روفضای مجازی می دونم. فکر کن پدر خانواده اول صبح بلند میشه چند تالکلیپ می بینه که همه دارن می نالن، دلار گرون شد، فلان جا تصادف شده ۴ نفر مردن، زمان شاه توی جوی عسل بودیم و اینا، خدایبی حسی واسه کار کردن میمونه؟»



ایسنا- اینجا نقطه پایان مسیر طولانی زاینده رود است؛ جایی که پس از طی حدود ۴۰۰ کیلومتر از نقطه آغاز سفرش از دامنه های خاوری ارتفاعات زاگرس و عبور از یک راه طولانی، پریپیچ و خم و دشوار، در روزگاران گذشته در این نقطه پایان، آرام می گرفته است. زاینده رود در بهمن ماه سال ۱۴۰۱ به مدت ۱۰ روز برای کشاورزان شرق اصفهان باز شد که دو روز تا رسیدن آب به کانال های کشاورزان زمان برد و عملاً هشت روز آب تحویل کشاورزان شرق اصفهان شد. از بهمن ماه ۱۴۰۱ تا به امروز حقابه کشاورزان شرق در پنج مرحله و به مدت ۱۰ روز تحویل داده شد و این میزان آب به قدری بود که در سال آبی جاری، تنها ۳ درصد اراضی شرق اصفهان زیر کشت غله و گلرنگ رفت.



باشگاه خبرنگاران جوان - روز ملی گل و گیاه هر سال در تاریخ ۲۵ خرداد ماه مصداق با ۱۵ ژوئن و روز جهانی گل و گیاه، با هدف ترویج فرهنگ نگهداری و استفاده درست از گل ها و گیاهان برگزار می شود. نامگذاری این روز در تقویم ملی به دلیل اهمیت بسیار زیادی است که گل و گیاه در زندگی انسان ها دارد.



واحد مرکزی خبر- مخازن آمونیاک کارخانه کربنات سدیم کاوه در شهرستان فیروزآباد پس از انفجار، این حادثه در مجموع ۱۴۹ مصدوم داشته است که با ترکیب ۱۲۶ مصدوم، در حال حاضر ۲۳ مصدوم بستری بوده و خدمات درمانی لازم به آنان ارایه می شود.



تسنیم- دره خزینه که در اثر فرسایش و طی سالیان دراز به شکل شگفت انگیز کنونی درآمده است، در میانه جاده پلدختر به سمت اندیمشک قرار گرفته است. این دره در نزدیکی روستایی به نام پلدختر واقع شده است و ورود خانه سیمره از وسط آن عبور می کند که زیبایی دره را دوچندان کرده است.

عکس خبر

عددخبر

چهره روز

افزایش قیمت نفت سنگین ایران

جدیدترین گزارش ماهانه اوپک نشان داد که قیمت نفت سنگین ایران ماه میلادی گذشته ۸.۷ درصد رشد کرد.

به گزارش ایسنا، قیمت هر بشکه نفت سنگین ایران در ماه مه به ۱۱۵ دلار و ۴۸ سنت رسید که ۹ دلار و ۲۰ سنت معادل ۸.۷ درصد در مقایسه با قیمت ۱۰۶ دلار و ۲۸ سنت در آوریل، افزایش داشت. میانگین قیمت نفت سنگین ایران از ابتدای سال ۲۰۲۲ تاکنون، به ۱۰۲ دلار و ۹۲ سنت در مقایسه با میانگین قیمت ۶۱ دلار و ۹۴ سنت در مدت مشابه سال ۲۰۲۱ رسید. ارزش سید نفتی اوپک در ماه مه رشد چشمگیری پیدا کرد و به ۱۱۳ دلار و ۸۷ سنت در هر بشکه رسید که هشت دلار و ۲۳ سنت معادل ۷.۸ درصد در مقایسه با آوریل افزایش

نشان داد. میانگین ارزش سید نفتی اوپک از ابتدای سال ۲۰۲۲ تاکنون، به ۱۰۲ دلار و ۸۰ سنت در هر بشکه در مقایسه با ۶۲ دلار و ۱۶ سنت در مدت مشابه سال ۲۰۲۱ رسید. طبق گزارش منابع ثانویه، تولید نفت اوپک متشکل از ۱۳ کشور، در ماه مه به ۲۸.۵۱ میلیون بشکه در روز رسید که ۱۷۶ هزار بشکه در روز کاهش ماه به ماه داشت. تولید نفت این گروه عمدتاً در عربستان سعودی، امارات متحده عربی و کویت افزایش پیدا کرد اما در لیبی، نیجریه، عراق، گابن و ایران کاهش داشت. تولید نفت ایران در ماه مه به ۲.۵۴۴ میلیون بشکه در روز رسید که ۲۰ هزار بشکه در روز در مقایسه با سطح تولید ۲.۵۶۵ میلیون بشکه در روز در آوریل، کمترین بود.

اینفوگرافی

خبر

تب بازار فروکش کرد

افت ۶۰۰ هزار تومانی قیمت سکه و ۲ هزار تومانی دلار



«احمد لواسانی» روز گذشته در خصوص آخرین وضعیت بازار ارز، با اشاره به تداوم روند افزایش عرضه ارز در مقابل کاهش تقاضا در صرافی ها، اظهار کرد: «قیمت دلار در بازار ارز بین ۳۱ هزار و ۵۰۰ تومان تا ۳۱ هزار و ۸۰۰ تومان در نوسان است.»

رئیس سابق کانون صرافان با بیان اینکه نرخ ارز در چهار روز گذشته به طور میانگین روزانه ۵۰۰ تومان کاهش یافته است، افزود: «با توجه به اجازه ای که به صرافی ها برای خرید ارز صادرکنندگان داده شده، قیمت دلار در برخی از صرافی ها کمتر از ۳۱ هزار و ۵۰۰ تومان هم عرضه می شود، زیرا صرافان با صادرکنندگان توافق می کنند و به متقاضیان می فروشند و ارز در بازار موجود است.» او با بیان اینکه در بازار ارز تقاضا به صورت جدی وجود ندارد، ادامه داد: «صرافان بیشتر نگران خرید

علیرضا جاویدنیا و چمدان های پول تزریق حال خوب به مردم

علیرضا جاویدنیا که در «شب جاوید» رادیو صبا به معرفی آدم های سرشناس محله های قدیمی می پردازد، به ارایه توضیحاتی درباره تجربه های خود در اجرای برنامه های طنز رادیویی پرداخت.

این گوینده و بازیگر رادیو درباره تجربه حضورش در این سال ها در برنامه های رادیویی تصریح کرد: «موقعیت های مختلفی برای من پیش آمده که انسان های سرشناس و موفق یا مردم عادی و سختکوشی که مرا می بینند از لحظاتی که صدای من را از آنتن رادیو شنیده اند به نیکی یاد می کنند و این بهترین و ارزشمندترین چیزی است که من دارم.»

جاویدنیا اظهار کرد: «چیز دیگری که مرا بسیار خوشحال می کند این است که برخی از مردم با ابراز لطف به من و همکارانم می گویند لبخندی که شما بر لب ما نشان دید بهانه رفع خیلی از کدورت ها در خانواده و جمع دوستان شده و این از افتخارات من است.» گوینده طنز رادیو در ادامه درباره علاقه به کارش بیان کرد: «کار را دوست دارم و به مردم عشق می ورزم، برای همین قبل از حضور در استودیو تمام دغدغه ها و ناراحتی های شخصی ام را پشت در می گذارم.»

این گوینده اضافه کرد: «گاهی پیامک ها و تماس هایی از طرف مردم داریم که تصور می کنند این لبخند روی لب و انرژی ما گوینده ها، به خاطر چمدان، چمدان پول هایی است که با اجرای برنامه به خانه می بریم که فقط همکاران ما می دانند تنها چیزی که حال ما را خوب می کند، تزریق حال خوب به مردم است و باز خورد هایی که از پیامک ها و تماس های آنها در برنامه می گیریم.»



نرخ ارز، آرامش به بازار طلاوسکه بازگشت و قیمت ها کاهش می یابد.

«محمد کشتی آرای» در خصوص وضعیت بازار طلاوسکه، اظهار داشت: «روز گذشته شاهد افزایش قیمت انواع سکه و طلا بودیم و رکورد جدیدی ثبت شد.» او افزود: «با توجه به اقدامات بانک مرکزی در خصوص کنترل بازار ارز و تزریق ارز به بازار باعث کاهش نرخ ارز شد و در کنار این افت قیمت، بهای انس جهانی طلا نیز کاهش یافت که این دو عامل موجب کاهش قیمت طلاوسکه در داخل شد.»

کشتی آرای توضیح داد: «وقتی قیمت ها افزایش می یابد، خریدار در بازار وجود دارد، اما فروشندهان چون گمان می کنند قیمت ها افزایش می یابد، معمولاً تمایلی به فروش ندارند ولی با سیر نزولی قیمت ها، بازار روال عادی داشت.»

دلیلی ندارد و فرد بر اساس نیاز خود ارز می خرد.»

بازگشت آرامش به بازار طلا با

اقدامات بانک مرکزی

دیروز همچنین نایب رئیس اتحادیه طلا و جواهر تهران از کاهش ۶۰۰ هزار تومانی قیمت سکه طرح جدید نسبت به روز گذشته خبر داد و گفت: «روزهای گذشته بازار طلا هیجانی بود، اما امروز دوباره با اقدامات بانک مرکزی و کاهش

ارز هستند، چون باید ارز را با مسئولیت خود خریداری کنند، زیرا روند کاهشی قیمت ادامه خواهد داشت.»

او توضیح داد: «در بحث فروش ارز بر اساس مصوبه بانک مرکزی سقف ۲ هزار دلار برای هر نفر در مصارف سایر (خرید ارز از صرافی با کارت ملی و بدون مدارک مسافرتی، درمانی، دانشجویی و...) در نظر گرفته شده است. منظور از مصارف سایر، مصارفی است که

قرارگاه «خاتم الانبیا کار تخریب متروپل را عهده دار شد
قردانی رئیسی از اقدامات هلال احمر
در «متروپل»



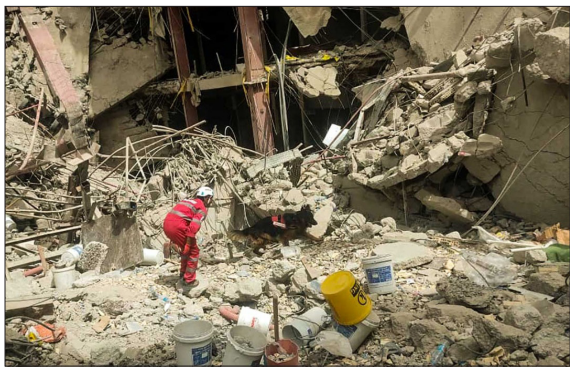
آیت الله رئیسی از زحمات امدادگران و خدمات جمعیت هلال احمر در سانحه فروریختن ساختمان متروپل، قردانی کرد.

رئیس دفتر آیت الله رئیسی در نامه‌ای مراتب قردانی و تشکر رئیس جمهوری از زحمات امدادگران جمعیت هلال احمر در سانحه فروریختن ساختمان متروپل آبادان و جست و جوی مصدومان و پیکرهای جانباختگان محبوس در زیر آوار این ساختمان را به دکتر کولیوند اعلام کرد. در بخشی از این نامه آمده است: «بدین وسیله مراتب تقدیر و تشکر رئیس جمهوری از عزیزان جمعیت هلال احمر ابلاغ می شود.» ظهر دوم خردادماه سال جاری گزارش فروریختن ساختمان متروپل آبادان به جمعیت هلال احمر اعلام و بلافاصله نیروی عملیاتی جمعیت هلال احمر خوزستان به محل اعزام و عملیات جست و جو و نجات آغاز شد. دکتر کولیوند، رئیس جمعیت هلال احمر نیز جهت نظارت مستقیم بر روند امدادرسانی و حضور در کنار نیروهای عملیاتی این جمعیت، به آبادان سفر کرد و تا آخرین لحظه کنار امدادگران و نجاتگران جمعیت هلال احمر مشغول به خدمت بود. در عملیات پاسخ به سانحه فروریختن برج متروپل در آبادان، در مجموع ۴۸ تیم امدادی از خوزستان و یک تیم امدادی از لرستان، ۸۰ تیم آنست از استان های فارس، اصفهان و کرمانشاه و سه تیم تخصصی آواربرداری از کرمان (۲۲۹ امدادگر و نجاتگر) با تجهیزات تخصصی و دستگاه های پیشرفته زنده یاب و سگ های جست و جوگر، به صورت شبانه روزی در عملیات امدادونجات و جست و جوی مصدومان و جانباختگان سانحه مشارکت داشتند.

همچنین پنج تیم حمایت روانی واجتماعی در حوادث و بلایا (سحر) در نزدیکی ساختمان فروریخته متروپل مستقر شدند و علاوه بر حمایت روانی از خانواده های داغ دیده، توانستند فهرستی از مفقودان تهیه و در اختیار مدیران بحران بگذارند.

قرارگاه خاتم الانبیا کار تخریب متروپل را عهده دار شد

حالا بعد از گذشت ۲۴ روز از ریزش متروپل، فرماندار ویژه آبادان از انتخاب پیمانکار پروژه تخریب این برج خبر داد. احسان عباسپور گفت: «پس از تصمیم گیری های کارشناسی، تقسیم کار و استقرار تجهیزات لازم مانند جرثقیل ۲۵۰ تنی در خیابان امیرکبیر این شهرستان عملیات تخریب بقایای سازه متروپل توسط قرارگاه خاتم الانبیا آغاز شد.» به گفته او قرار است تخریب این ساختمان به صورت طبقه ای باشد و از بالای ساختمان این عملیات انجام شود. فرماندار ویژه آبادان گفت: «این فرآیند با دقت و سرعت کافی صورت می گیرد و تلاش هابر این است که خسارتی به محیط اطراف ساختمان وارد نشود.»



راه اندازی دومین پایگاه امدادونجات بین شهری در مرند

دومین پایگاه امدادونجات بین شهری جمعیت هلال احمر شهرستان مرند با عنوان پست موقت در محور مرند - خوی راه اندازی می شود. رئیس شعبه جمعیت هلال احمر مرند دراین باره گفت: «این پایگاه امدادونجات جاده ای با تخصص ۲ دستگاه کانکس و استقرار آن در زمین اهدایی به متراژ ۳۵۰۰ مترمربع به زودی با حضور ۲۵ نفر از نجاتگران شروع به کار خواهد کرد.» به گفته او کمک به حادثه دیدگان تصادفات جاده ای، خدمات رسانی به مسافران، نجات در راه ماندگان و گرفتار در برف و باران از اهداف راه اندازی این پایگاه امداد جاده ای است. کلیه هزینه های انتقال و جابجایی کانکس ها بالغ بر ۱۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال (یکصد میلیون ریال) -هزینه جرثقیل و انتقال - توسط خیرین تامین شده و فرمانداری ویژه مرند، بخشداری کشکسرای و اداره راهداری و شهرداری شهر دیزج حسین بیگ در مورد آماده سازی رمپ ورودی به پایگاه همکاری داشتند. محور مرند - خوی جزو پر حادثه ترین محورهای مواصلاتی است.

بانوان در دوره بازآموزی امدادی توان و مهارت شان را محک زدند

زنان آمادۀ امداد و نجات



فاطمه عسگری نیا دوسال گذشته به خاطر شیوع بیماری کرونا و شرایط قرنطینه بخش قابل توجهی از برنامه های آموزشی جمعیت هلال احمر در حوزه امدادونجات مسکوت مانده بود و تمام توان این نهاد مردمی در مسیر کاهش آلام مردمی ناشی از کرونا به کار بسته شد، البته این به این معنا نبود که فعالیت های امدادی در حوزه حوادث مختلف اعم از جاده، سیل، زلزله و کوهستان تعطیل شده باشد اتفاقاً در همین دوسال حوادث زیادی را شاهد بودیم که در سایه حضور نجاتگران هلال احمر با وجود شرایط سخت کرونا، امدادرسانی شد. حالاکه شرایط اپیدمی کرونا با تلاش جمعیت هلال احمر در حوزه واردات واکسن و واکسینه شدن جمعیت کشور در برابر این بیماری رو به بهبود رفته است وقت آن شده که نجاتگران هلال احمر در دوره های فشرده به بازتوانی دانش امدادی خود در قالب آموزش های تخصصی بپردازند. پسران نجاتگر اسفندماه گذشته در این دوره ها شرکت کردند و دختران نجاتگر خردادماه جاری در اردوگاه میرزا کوچک خان شهرستان رامسر به بازآموزی امدادی پرداختند. به گفته رئیس سازمان امدادونجات جمعیت هلال احمر این دوره از ۲۲ تا ۲۶ خردادماه با حضور ۴۰ نفر از بانوان امدادگر در رامسر برگزار شد.

غیرطبیعی ثابت کرده است که حضور دختران امدادگر و نجاتگر در حوزه امدادرسانی بسیار موثر و کارآمد است و جمعیت هلال احمر باید مثل همیشه فارغ از مباحث جنسیتی و با توجه به توانایی، انگیزه و علاقه داوطلبان امدادگر نسبت به بهره گیری از توان آنها هنگام بحران ها اقدام کند.

غلامعلی فخاری با بیان اینکه «بانوان امدادگر و نجاتگران هم مانند همه استان ها بخش قابل توجهی از امدادگران را دختران و بانوان داوطلب تشکیل می دهند، تاکید می کند در گذشته عمدتاً از این توان فقط در بخش پشتیبانی استفاده می شد اما با درک ضرورت حضور این نیروها در بخش نجات، شاهد برگزاری دوره های آموزشی ویژه برای دختران و تقویت توانایی های آنها در این حوزه هستیم. او با ابراز رضایت از دوره بازآموزی امدادی بانوان در رامسر می گوید: «خوشبختانه در سایه تعامل و مشارکت امدادگران و همچنین بهره گیری از مربیان توانمند در کارگاه های آموزشی شاهد ارایه بسته های آموزشی خوبی به امدادگران بودیم که امید است از این آموزه ها در ماموریت های آینده به خوبی استفاده و موجب کاهش آلام حادثه دیدگان شوند.»

سهمیه هر استان مشخص بود

«هاتف باقر سلیمی»، معاون امدادونجات هلال احمر مازندران نیز درباره دوره بازآموزی امدادی بانوان در رامسر می گوید: «برگزاری دوره های بازآموزی جزء لاینفک حوزه امدادونجات است و تقویت توان امدادی امدادگران در ماموریت ها در گرو دانش و تسلط امدادگران بر روش های امدادرسانی است. لذا توجه به برگزاری دوره های تخصصی و تقویت دانش امدادگران و همچنین به روز کردن اطلاعات آنها در سایه تخصیص اعتبارات مکفی باید در اولویت کارها قرار بگیرد.»

او با بیان اینکه از استان مازندران هم چهار نفر از نجاتگران و امدادگران شهرهای بهشهر، قائمشهر، تنکابن و نوشهر که دارای درجه نجاتگر بودند در این دوره شرکت کردند، یادآور شد: «تعداد امدادگران شرکت کننده در این دوره از هر استان براساس سهمیه ای بود که سازمان امدادونجات جمعیت هلال احمر اعلام کرده بود.»

حضور آنها در پایگاه های امدادونجات برگزار می شد این در حالی است که در دوره مدیریت جدید مقرر شده به تناسب از ظرفیت امدادی دختران و پسران در جمعیت استفاده شود لذا با توجه به این رویکرد برگزاری دوره های آموزشی از اولویت های ماست.»

به گفته ولی پور، به روزرسانی آموزش های امدادگران و آشنایی آنها با به روزترین متدهای آموزشی به منظور افزایش کیفیت امدادرسانی در حوادث از اولویت های جمعیت هلال احمر است و به این منظور لازم است تا در اعتبارات ویژه هم برنامه ریزی دقیقی صورت گیرد.

حضور دختران نجاتگر در امدادرسانی موثر و کارآمد است

مدیرعامل جمعیت هلال احمر مازندران هم که میزبان دختران امدادگر و نجاتگر کشور در رامسر بوده در گفت وگو با «شهروند» می گوید: «تجربه ما در حوادث طبیعی و

هستند و ۱۵۳۰ نفر امدادگرند.» او با اشاره به نقش بانوان نجاتگر و امدادگر در امدادرسانی هنگام بروز بحران های طبیعی و غیرطبیعی بر ضرورت بهره گیری و تقویت این ظرفیت در جمعیت هلال احمر تاکید کرد: «در سنوات گذشته همواره دوره های آموزشی و بازآموزی امدادگران ویژه پسران با توجه به

● ● ●
۳۰ درصد از مجموع ۲۲ هزار و ۲۷۲ نفر از امدادگران و نجاتگران فعال در سازمان امدادونجات جمعیت هلال احمر معادل ۳ هزار نفر را بانوان نجاتگر و امدادگر تشکیل می دهند. ۱۳۷۱ نفر به صورت تخصصی نجاتگر هستند و ۱۵۳۰ نفر امدادگرند
● ● ●

مازندران؛ پیشرو در استفاده از توان بانوان نجاتگر

«غلام غلامی»، معاون آموزش و پژوهش هلال احمر مازندران نیز در گفت وگو با «شهروند» می گوید: «در این دوره ۴۰ نفر از امدادگران بانوی ۱۶ استان شمال و غرب کشور حضور داشتند و با شرکت در چهار کارگاه حمایت روانی، اسکان اضطراری، پیش بیمارستان و بهداشت و تغذیه در شرایط سخت آموزش های لازم را فرا گرفتند.»

به گفته او جمعیت هلال احمر در حوزه امدادونجات شاهد تیم های فعال و خوب بانوان در قالب تیم های تواناست که نقش مهمی در حوزه امدادرسانی هنگام بحران هایی چون سیل، زلزله، حوادث ترافیکی و جاده ای و... دارند: «تجربه حوادث تلخی مانند سیل لرستان، زلزله کرمانشاه و... همواره نشان داده است که مادر کنار مردان امدادگر نیازمند حضور گرم بانوان امدادگر هم هستیم و برای تقویت این بخش باید نسبت به برگزاری دوره های آموزشی این قشر اقدام کنیم.»

غلامی با اشاره به موقعیت گردشگری استان مازندران می گوید: «در استان ماکه طولانی ترین خط ساحلی را به طول ۴۰۰ کیلومتر دارد و هر ساله شاهد حضور جمعیت زیادی از گردشگران هستیم از سال های گذشته نسبت به بهره گیری از توان و ظرفیت



بانوان امدادگر اقدام کرده ایم و این کار را منوط به ابلاغ بخشنامه های سراسری نکردیم. کاری که در آن پیشرو بودیم و خوشبختانه نتایج مثبتی هم گرفته ایم.»



گزارش «شهرود» از ماجرای تلخ؛ بیماری که قربانی تنبیه تکنیسین های اورژانس شد

متوفی: کودک ۲ ساله علت مرگ: خشم یک راننده!

شد. ترافیک هنوز هم راه خودش را ادامه می داد و دستش را به دست گرمای هوا داده بود تا شرایط را برای مادر نگران بدتر کند. تا رسیدن خودروی اورژانس دوباره ۱۵ دقیقه ای زمان صرف شد. این یعنی خط صاف نوار قلب کودک.

ترافیک، راه اورژانس را مسدود کرد

دکتر یحیی صالح طبری، رئیس اورژانس تهران در گفت و گو با «شهرود» می گوید: «حدود ساعت ۱۴:۴۲ روز



سه شنبه نیروهای اورژانس طی تماسی با مرکز ۱۱۵ اورژانس تهران گزارش ایست قلبی تنفسی دخترپچه ای دو ساله را به این مرکز اعلام کردند.»

او توضیح داد که پس از اعلام این مورد بلافاصله تکنسین های اورژانس در کمترین زمان ممکن خود را به محل حادثه در خیابان شهید بهشتی رساندند، اما به دلیل شرایط ترافیکی این خیابان، نبود جای پارک مناسب و حال وخیم

قصد انتقال بیمار به آمبولانس را داشتند، متوجه می شوند به دو عدد از چرخ های آمبولانس توسط فردی ناشناس آسیب رسیده و بادهای لاستیک آن خالی شده است.»

رئیس اورژانس تهران با تاکید بر اینکه نیروهای اورژانس با مشاهده این وضعیت برای انتقال بیمار درخواست حضور آمبولانس دیگری را می کنند، خاطرنشان می کند: «آمبولانس دوم در محل حاضر شده، اما متأسفانه طولانی شدن روند انتقال به دلیل اتفاق به وجود آمده، باعث وخامت مجدد حال کودک شده و جان خود را از دست می دهد.»

او با تاکید بر اینکه این ماجرا پیش از این نیز رخ داده، تاکید می کند: «آمبولانس های اورژانس ۱۱۵ در دو حالت در خیابان حضور دارند یا در حال رفتن به ماموریت هستند یا از ماموریت بازمی گردند و وقتی هم در مکانی حضور دارند، حتما در حال نجات بیمار هستند، به همین دلیل هیچ خودرویی در هیچ زمانی بی دلیل در جایی پارک نمی کند و رفتار فردی که منجر به صدمه زدن به خودروی اورژانس شده، غیرانسانی بوده است.»

اورژانس پیگیر پرونده این کودک در مراجع قضائی است

مجتبی خالدي، سخنگوی اورژانس کشور به «شهرود» توضیح می دهد که اداره حقوقی مرکز اورژانس تهران پیگیر



پرونده این کودک در مراجع قضائی است. او با تاکید بر اینکه این اتفاق بسیار غم انگیز و ناراحت کننده بود و اورژانس آن را پیگیری می کند، خاطرنشان می کند: «اولیای دم اولین شاکیان این پرونده هستند، از سوی دیگر این اتفاق خسارت زیادی به اورژانس زده است، زیرا از یک سو خودروی دولتی آسیب دیده و از سوی دیگر خارج شدن این خودرو از چرخه کار اورژانس سبب شده که زمان رسیدن به سایر بیماران با تاخیر روبه رو شود و این هم خودش موضوع بسیار مهمی است.»

او در پاسخ به این سوال که آیا وضعیت این بیمار به گونه ای بوده است که در صورت رسیدن به بیمارستان زنده بماند، تاکید می کند: «سه گروه از افراد اگر به موقع به بیمارستان برسند، امکان زنده ماندن شان زیاد است، بچه ها، افرادی که دچار غرق شدگی و برق گرفتگی می شوند.»

تا بیمارستان تهران کلینیک زیاد نبود و امکان اینکه این کودک زنده می ماند زیاد بود.

معاونت در قتل شبه عمد

او معتقد است که بدهییه است برخورد با این گونه رفتارهای خلاف اخلاق، عرف و قانون یا به عبارت بهتر جرایم و کج روی ها با مقامات ذی ربط از حیث تسبیب در ورود آسیب جانی به بیمار، ورود ضرر به اموال عمومی یا خصوصی و تخریب عمدی و همچنین برهم زدن نظام اجتماعی از حیث «جنبه عمومی جرم» قابل پیگرداست. او توضیح می دهد: «مباشرت آن است که جنایت مستقیمی توسط خود مرتکب واقع شود و تسبیب در جنایت آن است که کسی سبب تلف شدن یا مصدومیت دیگری را فراهم کند و خود مستقیمی مرتکب جنایت نشود، به طوری که در صورت فقدان رفتار او جنایت حاصل نمی شد، مانند اینکه شخصی چاهی بکند و کسی در آن بیفتد و آسیب ببیند، بنابراین تعیین مجازات بسته به قصد و نیت مجرم و مرتکب و شرایط و اوضاع و احوال و اینکه جنایت از نوع عمد، شبه عمد یا غیر عمد باشد، متفاوت است و تحمیل مجازات در صورت شکایت شاکی خصوصی یا پیگیری مدعی العموم و صدور حکم از سوی مقام قضائی امکان پذیر است.»

شاه صاحبی به این موضوع اشاره می کند که به موجب ماده ۶۷۷ کتاب تعزیرات قانون مجازات اسلامی «هرکس عمداً اشیاى منقول یا غیرمنقول متعلق به دیگری را تخریب کند یا به هر نحو کلاً یا بعضاً تلف کند یا از کار اندازد، به حبس از ۶ ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.» بنابراین در اینجا می توان از باب تخریب و آسیب رساندن به آمبولانس به عنوان اموال عمومی نیز موضوع رایبگیری کرد.

...

خبر

نخستین دوره همایش بزرگ دو میدانی خانوادگی «جام مسافر»

جمعیت احیای انسانی کنگره ۶۰ به مناسبت سالروز جهانی مبارزه با مواد مخدر روز جمعه سوم تیرماه در ساعت ۷ صبح میزبان نخستین دوره همایش بزرگ دوومیدانی خانوادگی «جام مسافر» با شعار «یاریگر هم باشیم، نه به اعتیاد؛ بیابید این آتش ویرانگر را مهیار کنیم»، در دورده حرفه ای و آماتور (آقایان و بانوان) خواهد بود.

برای نخستین بار در تاریخ مسابقات دوومیدانی ایران در رده حرفه ای به نفر نخست ۵۰ میلیون تومان، نفر دوم ۳۰ میلیون تومان و نفر سوم ۲۰ میلیون تومان و در رده آماتور به ۱۱ نفر اول یک تومان تعلق می گیرد. مسافت مسابقه برای بانوان ۴۲۰۰ متر و برای آقایان ۷۸۰۰ متر در ورزشگاه تختی تهران خواهد بود.

علاقه مندان برای ثبت نام در مسابقه می توانند به آدرس <http://champ.portal60.ir> از جمعه ۲۷ خرداد تا چهارشنبه یکم تیر ماه مراجعه کنند. ثبت نام در همایش «جام مسافر» برای عموم آزاد است. این مسابقات به میزبانی جمعیت احیای انسانی کنگره ۶۰ و مجموعه ورزشی تختی تهران و با نظارت و مشارکت اداره کل ورزش و جوانان استان تهران، ستاد مبارزه با مواد مخدر کل کشور و هیأت دوومیدانی استان تهران برگزار می شود.

...

آغاز پرداخت افزایش حقوق

خرداد ماه بازنشستگان تامین اجتماعی

سازمان تامین اجتماعی اعلام کرد که پرداخت افزایش حقوق خرداد ماه بازنشستگان این سازمان آغاز شده است.

سازمان تامین اجتماعی اعلام کرد: «با توجه به ابلاغ مصوبه هیأت وزیران درباره افزایش حقوق سال ۱۴۰۱ بازنشستگان به سازمان تامین اجتماعی و اعلام قبلی درخصوص زمان واریز مابه التفاوت حقوق خرداد ماه، پرداخت افزایش حقوق خرداد از دیروز به صورت استانی آغاز شده و در چند روز آتی در سراسر کشور تکمیل می شود. همچنین مستمری بگیرانی که واریزی آنها در حساب هایی به جز بانک رفاه انجام می شود، مجموع حقوق و مابه تفاوت خرداد را در تاریخ ۲۹ خرداد دریافت خواهند کرد. لازم به ذکر است فرآیند پرداخت حقوق این ماه، مشابه روال معمول و فهرست الفبایی، از ۲۰ خرداد آغاز شده و تا پایان ماه ادامه دارد. همچنین مابه التفاوت افزایش حقوق فروردین و اردیبهشت بازنشستگان نیز طی ماه های تیر و مرداد پرداخت می شود.

...

۸۸ رتبه توانمندی سالمندان ایران

رئیس مرکز تحقیقات سالمندی ایران با بیان اینکه در زمینه شاخص قابلیت و توانمندی سالمندان، ایران در جایگاه ۸۸ قرار دارد، می گوید: «در گذشته از بیماری های اصلی سالمندی بحث بیماری های قلبی و عروقی و بیماری های زمینه ای ژنتیک عنوان می شد، در حالی که اکنون با توجه به گسسته شدن شبکه های اجتماعی افراد در دوران بازنشستگی، بسیاری از آنها دچار بیماری های روحی و روانی می شوند.»

احمد دلبری یکی از مشکلات حوزه سالمندی را «بازنشستگی قبل از موعد» می داند و می گوید: «در حال حاضر میانگین سن بازنشستگی در کشور ۵۲ سال است، در صورتی که افراد اغلب از ۷۰ سالگی از کار افتاده می شوند و بخش زیادی از بیماری ها به علت این بیکاری رخ می دهد که در این زمینه لازم است در قوانین حوزه سالمندی به موضوع بازنشستگی ورود شود.» رئیس مرکز تحقیقات سالمندی ایران علت پایین بودن سن بازنشستگی در کشور را «ایجاد اشتغال کاذب» عنوان می کند و می افزاید: «در ایران معمولاً بازنشستگی را زودتر از موعد در نظر گرفته و افراد زودتر بازنشسته می شوند تا جای آنها را نیروهای جوان بگیرند.»

تنها ۳۴ درصد از سالمندان در ایران «شاغل» هستند

در همین خصوص دلبری به گزارش حاصل از ارزیابی شاخص دیده بان سالمندی که اخیراً توسط سازمان بازنشستگی انجام شده است، اشاره و خاطرنشان می کند: «در این ارزیابی ۹۷ کشور بررسی شدند و ایران رتبه ۶۴ را به خود اختصاص داد؛ به عبارتی ۶۴ کشور در جهان از ایران وضعیت بهتری دارند. از سوی دیگر در زمینه شاخص قابلیت و توانمندی سالمندان، ایران در جایگاه ۸۸ بوده و در وضعیت نامطلوبی قرار دارد.»

به گفته او با توجه به اینکه شاخص قابلیت و توانمندی سالمندان ترکیبی از اشتغال و توانمندی و میزان تحصیلات سالمندان است، تنها ۳۴ درصد از سالمندان در ایران شاغل هستند. رئیس مرکز تحقیقات سالمندی ایران در ادامه درخصوص وضعیت اشتغال سالمندان در کشورهای دیگر بیان می کند: «انتظاری نمی رود که سالمندان کار یدی انجام دهند، اما اکثر کشورها از سالمندان به عنوان مشاور در رده های بالا بهره می برند و همانگونه که در کشورهای توسعه یافته بازنشستگی فرآیندی دو ساله است و طی این مدت فرد تجربیات چند ساله خود را در اختیار می گذارد، آرایه مشاوره و تجارب در سال های بعد نیز به نیروهای جوان در این کشورها ادامه می یابد.»

قلم در دست شاخ‌های مجازی!

«شهرزند» موج انتشار کتاب از سوی سلبریتی‌های شبکه‌های اجتماعی را بررسی می‌کند

یاسر نوروزی | اوایل دهه ۸۰ بود که چهره‌های مشهور سینما و تلویزیون به تدریج شروع به انتشار کتاب کردند. پیش از آن البته معدودی از چهره‌های اینچنین آثاری منتشر کرده بودند که بعضی از آنها آثاری قابل تأمل بودند. اما ناگهان موجی به راه افتاد که گویی چهره‌های سینماگر برای چاپ کتاب از هم سبقت می‌گیرند. نوشتن شعر و داستان در واقع تبدیل به نوعی مُد روز بین این جماعت شده بود. ناشران هم که البته به خاطر سود حاصل از فروش کتاب‌های این چهره‌های مشهور، شروع به چاپ کردند. گاهی حتی ناشران بزرگ اقدام به انتشار چنین آثاری می‌کردند. به این ترتیب گاهی کتاب‌هایی دیدیم خالی از هر نوع ادبیت. درواقع آنچه امروز به عنوان سلبریتی می‌شناسیم، گاهی حتی نوشته‌های اینستاگرامی و فیس‌بوکی و

غیره‌اش را هم منتشر کرده؛ کتاب‌هایی بسیار ضعیف که از جمله آنها می‌توان به کتاب صابر ابر اشاره کرد. این جریان در سال‌های اخیر متوقف نماند و همچنان ادامه دارد. اما همزمان با توسعه شبکه‌های اجتماعی، افرادی شروع به انتشار کتاب کردند که صرفاً به واسطه صفحات مجازی و فالوئرهای فراوان، به شهرت رسیده بودند. درواقع جریانی دیگر به راه افتاد از انتشار آثاری که بسیاری از آنها نازل و بی‌کیفیت بودند. به این ترتیب اگر اوایل دهه گذشته مردم برای کتاب‌های نویسندگانی نظیر مصطفی مستور یا رضا امیرخانی صف می‌کشیدند، ناگهان دیدیم که عده‌ای صف کشیده‌اند برای خرید کتاب کسی که اصلاً اسمش را هم نشنیده‌ایم! از جمله این کتاب‌ها هم می‌شود به کتاب «قهوه سرد آقای نویسنده»

(روزبه معین)، «راز رخسید برملا شد» (علی سلطانی)، «من سر قلم هستم» (امیر علی ق.) و غیره اشاره کرد. در هفته‌های گذشته هم کتابی منتشر شد از سوی یکی از بلاگرهای خارج از ایران که فقط در ایام نمایشگاه، پنج چاپ آن به پایان رسید! هرچند نظرات درباره این پدیده همیشه منفی نبوده است و عده‌ای آن را به سود بازار کم‌درآمد کتاب در ایران می‌دانند. درواقع آنچه اهمیت دارد نظرات اهالی ادبیات است که در این پرونده سراغ‌شان رفتیم تا درباره این جریان پیرسیم. آیا چنین جریانی به سود بازار کتاب است؟ برای آنچه به عنوان صنعت فرهنگ می‌شناسیم چه معایی قابل تصور است؟ چه جوهی در این بازار مغفول مانده است؟ رسانه‌ها چه وظیفه‌ای دارند؟ و...



به جای «عامه‌پسند» بگوییم «اکثریت‌پسند»

محمد هاشم اکبریانی، نویسنده

●●● در این سال‌ها با انتشار کتاب از طرف بعضی چهره‌هایی مواجه بوده‌ایم که در شبکه‌های اجتماعی به شهرت رسیده‌اند. عده‌ای ما را به سود بازار کتاب می‌دانند و عده‌ای دیگر مضراتش را بیشتر از محاسنش ارزیابی می‌کنند. نظر شما چیست؟

من در مجموع مخالف نیستم، چون فکر می‌کنم مادر جهانی زندگی می‌کنیم که باید واقعیت‌هایش را ببینیم و اقتضائاتش را هم بپذیریم. اینکه شبکه‌های اجتماعی به شکل گسترده‌ای فعال هستند و عده‌ای توانسته‌اند از طریق این شبکه‌ها خودشان را مطرح‌کنند یا مطالبی بنویسند که به هر حال در میان طیفی از مردم خواننده داشته باشد، اشکالی ندارد. ما هم نمی‌توانیم از تمام مردم و گروه‌های اجتماعی انتظار داشته باشیم که مثلاً یک نوع ادبیات خاص را بخوانند. ضمن اینکه شاید این نوع ادبیات نزدیک باشد به نوعی از ادبیات که عده‌ای به آن می‌گویند ادبیات عامه‌پسند؛ هرچند به نظر من باید به آن گفت اکثریت‌پسند. چون آثاری که درباره آن صحبت می‌کنیم پهلوی هم همین نوع ادبیات می‌زند. من با وجود آن نوع ادبیات هم موافقم. چون دلیلی ندارد ما تقسیم‌بندی را براساس شاخصه‌هایی در نظر بگیریم که فقط نظر خودمان را تأمین کند! درباره ارتباط این نوع کتاب‌ها با چرخه نشر هم، من اتفاقاً با یکی از ناشران درباره یکی از همین کتاب‌هایی که از طرف پسر جوانی، سه چهار سال پیش منتشر شده و خیلی خواننده پیدا کرده بود، صحبت

کرده‌ام. چون همان سال دیدم مردم کنار غرفه ناشر، صفی طولانی بسته‌اند. با ناشر که صحبت می‌کردم، نظرش خیلی موافق بود، چون می‌گفت من با فروش و سودی که از همین کتاب‌ها عاید می‌شود می‌توانم بروم سراغ چاپ کتاب‌های دیگر؛ آن هم کتاب‌هایی که چند سال باید بابت آن سرمایه‌ام بخوابد تا بتوانم آنها را بفروشم. بنابراین در گردش سرمایه نشر، به نظر من تأثیر مثبت دارد. به همین دلیل این جریان، جریانی نیست که بخواهم با آن مخالفت کنم.

●●● بین کلام‌تان اما از «ادبیات اکثریت‌پسند» به جای «ادبیات عامه‌پسند» استفاده کردید. چرا؟

در این مورد خاص، نقد من به جریان روشنفکری است. جریان روشنفکری ما در بسیاری موارد، اکثریت را برای آزادی‌های سیاسی،

اجتماعی و غیره، مبنای قرار می‌دهد. درواقع در بسیاری موارد اکثریت برایش حاوی نوعی ارزش و اعتبار است. مثلاً خیاط، بقال یا خانه‌داری که آشنا با ادبیات و کتاب نیست، وقتی دنباله‌رو جریان‌شان می‌شود و به شخصی خاص رأی می‌دهد، اکثریت را تحسین می‌کنند. درواقع آرای اینها از نظر بخشی از روشنفکران ما آرایشی است که مبنای دموکراسی تعریف می‌شود. ولی همین اکثریت، یعنی زن خانه‌دار، کارگر، کشاورز و حتی پزشک و مهندس و غیره، وقتی با توجه به همه تبلیغاتی که برای یک کتاب شده، می‌روند و به یک نوع ادبیات گرایش پیدا می‌کنند، این نوع ادبیات از نظر روشنفکران ما می‌شود ادبیات عامه‌پسند! خوب چرا اسم این را نگذاریم ادبیات اکثریت‌پسند؟ چون اکثر جامعه ما دارند این نوع ادبیات را می‌پسندند.

●●● متوجه‌ام. به نوعی تناقض در این

نوع تفکر اشاره دارید. بله، چون اگر مثلاً درباره رأی دادن، همین اکثریت را حامل نوعی ارزش مثبت می‌دانند، چرا وقتی پای صحبت از خرید فلان کتاب به میان می‌آید، همین اکثریت را فاقد ارزش می‌دانند؟! بعد هم می‌گویند اکثریت نمی‌فهمند یا حتماً باید بروند سراغ یک نوع ادبیات خاص! درحالی‌که من فکر می‌کنم درست این است که بگوییم ادبیات روشنفکران ما، ادبیات اقلیت‌پسند است، چون تعداد خاصی این نوع ادبیات را می‌پسندند. درمقابل، ادبیات عامه‌پسند ما، ادبیات اکثریت‌پسند است. یعنی اگر بخواهیم نوعی تقسیم‌بندی در نظر بگیریم باید بگوییم ادبیات اکثریت‌پسند و ادبیات اقلیت‌پسند. اما خوب متأسفانه چون جامعه روشنفکری ما این نوع نگاه را برنمی‌تابد و سعی می‌کند از جایگاهی که خودش را در آن مستقر می‌داند، پایین نیاید، در حوزه ادبیات هم دست به چنین تقسیم‌بندی‌هایی می‌زند تا ارزش و جایگاه خودش را بالا نگه دارد. هرچند به نظر من این نوع نگاه‌ها خلاف واقعیت‌های موجود است و همین امر باعث می‌شود که با جامعه ارتباط تنگاتنگی هم نداشته باشند. چون خودشان را نخبه می‌دانند و ادبیات‌شان را هم نخبه‌گرای می‌خوانند! آن هم ادبیاتی که نمی‌تواند با جامعه ارتباط بگیرد. برای همین هم هست که بین مخاطب و این نوع ادبیات، در دهه‌های گذشته، فاصله بسیاری افتاده است.



فرهنگ ماد چار آسیب های جدی خواهد شد

علیرضا بهنام، شاعر و منتقد

●●● اواخر دهه ۸۰ بعضی سلبریتی های سینمایی پشت هم به انتشار کتاب علاقه نشان دادند، اما ماجرا در سال های اخیر سمت بعضی سلبریتی های شبکه های اجتماعی رفته و اینها هم شروع به انتشار کتاب کرده اند. این موضوع را چطور ارزیابی می کنید؟

اول اینکه چه دوست داشته باشیم و چه نداشته باشیم، به هر حال کتاب جزئی از صنعت / فرهنگ است. در واقع وقتی در کشوری با اقتصاد بازار زندگی می کنیم، ناچاریم به قواعد بازار در زمینه محصولات فرهنگی آن هم تا حدودی تن بدهیم و مقتضیاتش را بپذیریم. این قضیه مربوط به ایران هم نیست و در همه جای دنیا وجود دارد؛ به این شکل که مشاهیر و سلبریتی ها (به اصطلاح فرهنگ غربی) روی بازارهای جانبی فرهنگی نظیر کتاب، تاثیرگذار هستند. هرچند در کشورهای دیگر، شکل دیگری از مناسبات فرهنگی حکمفرماست.

●●● به چه معنی؟

مثلا فرض کنید بخشی از زندگی خصوصی یک سلبریتی، جنجال ساز می شود و او درباره اش اتوبیوگرافی می نویسد یا دیگران اقدام به انتشار بیوگرافی درباره فرد مورد نظر می کنند. یا به عنوان مثال شما چهره ای مشهور را می بینید که شرح تور کتاب خوانی اش را در قالب یک کتاب به انضمام عکس و تصاویری مربوط به اتفاقات جانبی آن رویداد منتشر می کند که خوب در کشور ما چنین اقداماتی امکان پذیر نیست. البته این نوع تولیدات فرهنگی عموما در سطحی بسیار نازل هستند و با استانداردهای ادبیات معاصر فاصله ای بسیار دارند.

●●● پس اعتقاد شما بر خوب یا بد بودن این پدیده نیست؟

ببینید؛ به این نکته باید توجه کرد که کتاب های مربوطه که درباره آن بحث می کنیم، جایگزین همان بیوگرافی ها و اتوبیوگرافی هاست و در واقع عطش بخشی از مخاطبان فرهنگ مکتوب را نسبت به شناخت بیشتر دنیای مشاهیر صنعت سرگرمی سیراب می کند. کاری هم نمی شود کرد و از این منظر، چنین پدیده ای نه خوب است و نه بد. اما از سویی اگر می شد درست از این پدیده استفاده کرد، می توانست به سود بازار کتاب باشد.

●●● چطور؟

چون به بهانه انتشار همان آثار، افشاری که عموما با کتاب سروکار ندارند، می آیند و مخاطب کتاب مربوطه و به تبع آن، مخاطب کتاب های دیگری غیر از آن کتاب هم می شوند. از این جهت می تواند به سود بازار کتاب باشد.

●●● در کشور ما اما به نظر نمی رسد چنین اتفاقی بیفتد. قبول دارید؟

بله، به این دلیل که مادر ۲۰ سال اخیر در نوعی روند مشکوک افتاده ایم؛ روندی که به نظر نمی آید اتفاقی باشد و باعث شده تمام مکانیسم های تولید و توزیع کتاب مان به هم بریزد. دنباله این جریان به کجا رسیده؟ به جایی که از لحظه تولید کتاب برای بازار، هیچ نوع هدف گذاری صورت نمی گیرد. در واقع پیش فرض ناشر برای انتشار کتاب جدی این است که آن را در تیراژ محدود چاپ کند، نوعی اعتبار فرهنگی به دست بیاورد و برای مولف هم صرفا نوعی ارضای خاطر فراهم می شود. این اتفاقی است که واقعا افتاده. یعنی اصلا کسی دیگر به فروش کتاب فکر نمی کند و هدف گذاری در این زمینه از سوی ناشر انجام نمی شود. از سوی دیگر پیش فرض شبکه توزیع هم این است که کتاب کالایی است که فروش نمی رود. به همین دلیل چون چنین فکری می کنند، اصولا کتاب را عرضه هم نمی کنند. دلیل بعدی هم این است که هر کتابی وقتی قرار باشد به دست مخاطب برسد، مخاطب باید ابتدا از وجودش مطلع باشد. یعنی باید هاله ای گفتمانی حول یک کتاب شکل بگیرد تا مخاطبان از وجودش آگاه شوند، نسبت به آن کنجکاوی پیدا کنند و به دنبالش بروند. این وظیفه کیست؟ وظیفه رسانه ها. درحالی که در ایران شبکه رسانه ای در این حوزه وجود ندارد. در واقع باید سلیقه های مختلف در ستر این شبکه در حال گفت و گو باشند و فضایی زنده حول وحوش یک کتاب شکل بدهند. درحالی که متأسفانه در نوعی فرایند مشکوک، کل این پروسه کاملا بسته شده و از ادبیات جدی دریغ شده است.

●●● چرا چنین فرآیندی را کاملا بسته می بینید؟

چون برنامه های معدودی که در شبکه های ملی نظیر رادیو و تلویزیون درباره کتاب هم بوده، تک به تک از دور خارج شده اند. شبکه های ماهواره ای فارسی زبان هم که ایدا به این ماجرا نمی پردازند. در رسانه های اجتماعی، بلاگرهای جدی هم که قبلا به کتاب می پرداختند یا مجبور به مهاجرت شده اند یا وبلاگ های شان را تعطیل کرده اند. بنابراین ما شاهد یک فضای کاملا بسته و غیرتجاری در زمینه ادبیات جدی هستیم. به همین دلیل حتی حضور سلبریتی ها در دنیای کتاب هم نمی تواند به این فضای مرده جانی دوباره ببخشد. درحالی که مثلا اگر در جای دیگر دنیا بودیم و آن بخش دیگر، درست کار می کرد، این موضوع می توانست به ایجاد هیجان در بازار کتاب بینجامد و به معطوف شدن توجه مردم به کتاب منجر شود. درحالی که در ایران حتی این اتفاق هم نمی افتد. اما ظاهرا تصمیم گذاران مربوط به این حوزه تصمیم شان را گرفته اند. آینده فرهنگ ما هم به طور کلی از این تصمیمی که برای بسته کردن فضای کتاب گرفته شده، آسیب هایی جدی خواهد دید؛ آسیب هایی که خود تصمیم گیران هم نمی توانند تصورش را بکنند. در واقع جامعه ای که در آن جریان آزاد اندیشه و جریان آزاد ادبیات وجود نداشته باشد، مسلما با اتفاقات بسیار بدی مواجه خواهد شد.

پس مانده های صنعت فرهنگ!

فرید قدمی، نویسنده و مترجم

●●● باز دوباره با پدیده ای مواجه هستیم با عنوان انتشار کتاب توسط سلبریتی ها. هرچند این بار سلبریتی هایی که محصول شبکه های اجتماعی هستند.

قبل از هر چیز باید به مفهوم «سلبریتی» بپردازیم، چون به نظر من نمی شود از کلمه «سلبریتی» برای اینها استفاده کرد.

●●● چرا؟

کلمه «سلبریتی» در واقع جانشین مفهوم شهرت کلاسیک شده است. در دوران شکسپیر یا دانته، چاسر و دیگران یا قبل از آنها، شهرت ادبی در میان طبقه اشراف یا طبقه برگزیده پدید می آمد. در واقع نخبه هایی که ادبیات می خواندند و با هنر رابطه داشتند، در طبقه اشراف قرار داشتند. زمانی هم که یک نویسنده محبوب بود، بین این طبقه شناخته می شد. اما کم کم، به تدریج در قرون هجدهم و نوزدهم، مفهوم سلبریتی جای این شکل از شهرت را گرفت؛ به این معنی که آن فرد توسط عامه مردم پاس داشته می شود یا celebrate می شود. این در واقع نتیجه شکل گیری و توسعه دموکراسی هاست که مردم به مرجع اثر ادبی بدل می شوند، نه نخبگان. در واقع پیوندی بین کلمه «سلبریتی» و مفهوم دموکراسی و دموکراتیزاسیون وجود دارد. برای همین زمانی ما می توانیم از یک فرد به عنوان سلبریتی صحبت کنیم که پیوندی هم با مفهوم دموکراسی داشته باشد. اما اینهایی که از آنها صحبت می کنید و امروز نه فقط در ایران بلکه در کشورهای دیگر هم وجود دارند، در واقع پس مانده های صنعت فرهنگ اند. به این معنی که صنعت فرهنگ که از طرفی به اخته سازی سیاسی مشغول است و از طرفی پول سازی می کند، یکسری پس مانده هایی هم تولید می کند که از این طریق هم پول زیادی به دست می آورد و هم جریان اخته سازی فرهنگی جهانی هم پشتش است؛ از جمله دولت های بزرگی مثل آمریکا که از این ماجرا حمایت می کنند. وظیفه این جریان چیست؟ اینکه ادبیات و هنر را به پدیده ای بی خاصیت تبدیل کنند و فرهنگ صنعتی شده را جایگزین آن کنند؛ مثل فرهنگ موسیقی پاپ، سینمایی که می بینیم (چه بخشی از سینمای خودمان، چه هالیوود)، بازار مدل ها. درحالی که به قول فلاسفه اگر آدم لحظه ای اینها را بپوشد، به این سوال می رسد که چرا اینها پیدا می شوند و چرا پاس داشته شوند؟!

●●● اگر بخواهید از محصولات این نوع فرهنگی

صنعتی شده مثال بیاورید، به چه نمونه ای اشاره می کنید؟ در واقع می خواهم به یک مثال عینی برسیم.

اوج قضیه مثلا در آدمی مثل کیم کارداشیان متجلی است. شما هر طوری از هر کسی بپرسید این چرا معروف است، چرا شهرت دارد و چرا به ستاره فرهنگ امروز تبدیل شده، پاسخی منطقی پیدا نمی کنید. چرا؟ چون اینها پس مانده های این سیستم هستند و از طریق همین سیستم تغذیه می شوند. در واقع اگر بخواهم به بحث خودمان برگردم، وقتی یک مدل، یک بازیگر، یک خواننده پاپ یا مثال اینها، کتابی را چاپ و منتشر می کند، از حمایت فرهنگ جهانی همین جریان بهره مند است و آن فرهنگ جهانی پشتیبانی اش می کند، چون این فرهنگ با پسمانده هایش کار می کند؛ همان فرهنگی که من

سال هاست به آن اشاره کرده ام؛ تثلیث نامقدس پاپ، پورن و پاپ کورن که دارد از این جریان حمایت می کند. در واقع این فرهنگ جهانی یک نظام هیولایی است که بی شمار کارمند بی نام و نشان و مشهور دارد و همه شان به نحوی هم این سیستم را تقویت می کنند، هم از آن بهره مند می شوند. وقتی یک مدل یا بازیگر کتابی می نویسد همه این نظام فرهنگی با تمام قدرت خود به خود پشتش می ایستد و برایش تبلیغ می کند و درست برعکس، وقتی نویسنده ای رادیکال یا به عرصه می گذارد، تمام این نظام علیه اش عمل می کند تا به هیچ وجه کارش خوانده نشود، چون خطرناک است.

●●● چرا این به قول شما پس مانده های فرهنگ تا این حد برجسته می شوند؟

اول اینکه خطری برای هیچ کس و هیچ سیستمی ندارند. دوم اینکه پول خوبی هم از همین جریان نصیب سیستمی می شود که دارد اینها را پشتیبانی می کند. شما نظیر همین پول را در سینما می بینید، درمذ می بینید و در تمام چنین پدیده هایی که به آن سیستم متصل هستند. البته پیشتر گفتم اینها پس مانده های همان تولیدات هستند، اما در ایران باید این مفهوم را چند برابر کنید و بگویید پسماند پسماند فرهنگ! مثلا بریتنی اسپیرز که پس ماند فرهنگ غرب است، اخیرا قراردادی چند میلیون یورویی برای کتابی که قرار است بنویسد، امضا کرده، حالا چهره های مبتذل فرهنگی ما هم از آن تبعیت میکنند، درحالی که حتی آن استعداد اندک را هم ندارند؛ یعنی پس ماند چیزی می شوند که خودش پس ماند چیزی است.

●●● سوالی که پیش می آید این است که آیا در کشورهای دیگر صاحب صنعت نشر پیشرفته تر هستند هم ناشران اقدام به انتشار کتاب های این افراد می کنند؟ یا فقط در کشورهای نظیر ایران است که تا این حد برجسته می شوند؟

اتفاقا می خواستم به وجه دوم ماجرا اشاره کنم و به همین موضوع برسیم. وجه دوم چیست؟ اینکه مادر در ایران فضای انتقادی و فکری نداریم. برای همین هر کسی آثار خودش را به عنوان ادبیات قالب می کند و می بینیم ناشران بزرگ مان هم می آیند و چنین آثاری را چاپ می کنند. این پدیده، موضوع جدیدی هم نیست. کمی به عقب تر برویم، می بینیم چه چهره های مبتذلی از سینما و تلویزیون آمدند و کتاب چاپ کردند و خیلی هم کتاب های شان با استقبال مواجه شد. اتفاقا ناشران بزرگی هم کتاب های شان را در ایران چاپ کردند. درحالی که شمارد کشوری نظیر فرانسه هیچ وقت چنین اتفاقی را نمی بینید. هیچ وقت نمی بینید در فرانسه یک خواننده یا مدل توانسته باشد با ناشران بزرگ و روشنفکر گرای مثل «گالیمار»، «اکتیه سود» یا «مینوی» کار کند. در مطبوعات روشنفکری شان هم هیچ وقت به این آثار نمی پردازند. اما در ایران ناشران روشنفکری ما می آیند و کتاب های اینها را چاپ می کنند، بعد مطبوعات روشنفکری ما هم به این کتاب ها می پردازند و بدتر اینکه روشنفکران ما هم به روابط با اینها افتخار می کنند! می روند با اینها عکس یادگاری هم می گیرند! نمونه اش کتاب آقای صابر ابر است که کتابی کاملا مزخرف بود یا کتاب هایی نظیر کتاب بهاره رهنما و امثال اینها.



قهوه سرد آقای نویسنده / نویسنده: روزبه معین

سوال رو واسه کسی تکرار کرد، مگه وقتی که مطمئن باشی طرف گوش هاش سنگینه، چون در غیر اینصورت طرف داره به این فکر می کنه چه خزعاتی تحویلت بده، اگه می خواست راستش رو بگه قطعاً همون اول می گفت.»

«فکر می کنم خدا سه چیز رو با ذوق بیش تری افریده: زن، هنر، عشق. اما در عجب تورا با چه شور و حالی افریده: زن هنرمند عاشق.»

«تو واسم اون صدای قشنگ بودی که من به خاطرش هیچ صدایی رونشنیدم!»



سال چاپ: ۱۳۹۶ / چاپ هشتاد و پنجم
تعداد دنبال کنندگان در اینستاگرام: ۵۵ هزار نفر

اینجا جملاتی است از روزبه معین که در یکی از مصاحبه هایش گفته بود: «دستم خسته شد از بس که در رومنایی، کتاب امضا کردم. در رومنایی دوسه هزار نفر آمده بودند و اتفاقاتی افتاد که بعد از دو سه ساعت نیمه کاره رها شد و مراسم را جمع کردند. در رومنایی دوم که تا چاپ سوم به فروش رسید، هفته بعدش سه روز در نمایشگاه کتاب، مخاطبان صف ایستاده بودند که از سالن کتاب های عمومی به سمت سالن کتاب های دانشگاهی رفت. بعد از آن در مشهد هم همین اتفاق افتاد. هشت ساعت جشن امضا طول کشید.» صحبت معین کم و بیش واقعیت دارد، چرا که تعداد چاپ رمانش خود نشان می دهد با چه حجم از درخواستی مواجه بوده. اولیاسانس مهندسی شیعی از دانشگاه اراک دارد و تاپیش از انتشار کتابش هم هیچ حرف و سخنی درباره نویسندگی اش مطرح نبود. در فضای مجازی فعالیت داشت و به واسطه فالوئرهایش هم توانست جمعیت زیادی را برای خرید کتابش ترغیب کند. کتابی که فاعله ای تمام عیار در عرصه داستان نویسی است! چرا که خط روایی قصه چندان مشخص نیست، حجم کثیری از صفحات به بیان ذهنیات سطحی نویسنده می گذرد و در کل، تمام کتاب در حد یک وبلاگ نویسی متوسط است. به این نمونه ها دقت کنید: «هیچوقت نباید به

منِ احمق / نویسنده: شیما کاتوزیان

«من کمتر چیزی را به خاطر نمی آورم.»

«آن وقت ها کمتر حسود داشتم، همه بداند که در حدی که در سن کم خواستگاری برای ازدواج داشته باشم، زیبا هستم.»

«کمی و فقط کمی از روز گذشته، مثل همه روزها. کم کم کمی می گذرد و نهایتاً شب می شود و بعد روز بعدی...»



سال چاپ: ۱۴۰۱ / چاپ هفتم
تعداد دنبال کنندگان در اینستاگرام: یک میلیون نفر

اگر نگاهی به صفحه شیما کاتوزیان در اینستاگرام بیندازید، کاملاً متوجه فعالیت های او خواهید شد؛ تصاویر و ویدیوهایی حول وحوش آرایش، زیبایی، فلان پماد و کرم و رنگ چشم و از این قبیل مسائل. نه اینکه فعالیت در این زمینه ها سخیف باشد. به هر حال هر کسی ممکن است در زمینه های مختلف آرایشی و بهداشتی کسب و کاری داشته باشد. ماجرا اما جایی لوٹ می شود که طرف رمانی هم می نویسد و آن را در ایران منتشر می کند و کار هم در همان ایام نمایشگاه به چاپ پنجم می رسد؛ آن هم در حالی که پر از غلط های صرفی و نحوی و داستانی و خلاصه انواع سهل انگاری هاست. البته کاتوزیان مدت ها بلاگر بوده و در مدت فعالیت در همین حوزه هم توانست به فالوئرهای بالا دست پیدا کند. هرچند چند جمله از کتابش نشان می دهد که حتی در جمله بندی ساده هم مشکل دارد.

به این نمونه ها دقت کنید:

«یکی از ما دو نفر احمق بود و اگر یکی از آن دو نفر من بودم، عالی بود.»

قلم در دست شاخ‌های مجازی!

«شهرزند» موج انتشار کتاب از سوی سلبریتی‌های شبکه‌های اجتماعی را بررسی می‌کند

یاسر نوروزی | اوایل دهه ۸۰ بود که چهره‌های مشهور سینما و تلویزیون به تدریج شروع به انتشار کتاب کردند. پیش از آن البته معدودی از چهره‌های اینچنین آثاری منتشر کرده بودند که بعضی از آنها آثاری قابل تأمل بودند. اما ناگهان موجی به راه افتاد که گویی چهره‌های سینماگر برای چاپ کتاب از هم سبقت می‌گیرند. نوشتن شعر و داستان در واقع تبدیل به نوعی مُد روز بین این جماعت شده بود. ناشران هم که البته به خاطر سود حاصل از فروش کتاب‌های این چهره‌های مشهور، شروع به چاپ کردند. گاهی حتی ناشران بزرگ اقدام به انتشار چنین آثاری می‌کردند. به این ترتیب گاهی کتاب‌هایی دیدیم خالی از هر نوع ادبیت. درواقع آنچه امروز به عنوان سلبریتی می‌شناسیم، گاهی حتی نوشته‌های اینستاگرامی و فیس‌بوکی و

غیره‌اش را هم منتشر کرده؛ کتاب‌هایی بسیار ضعیف که از جمله آنها می‌توان به کتاب صابر ابر اشاره کرد. این جریان در سال‌های اخیر متوقف نماند و همچنان ادامه دارد. اما همزمان با توسعه شبکه‌های اجتماعی، افرادی شروع به انتشار کتاب کردند که صرفاً به واسطه صفحات مجازی و فالوئرهای فراوان، به شهرت رسیده بودند. درواقع جریانی دیگر به راه افتاد از انتشار آثاری که بسیاری از آنها نازل و بی‌کیفیت بودند. به این ترتیب اگر اوایل دهه گذشته مردم برای کتاب‌های نویسندگانی نظیر مصطفی مستور یا رضا امیرخانی صف می‌کشیدند، ناگهان دیدیم که عده‌ای صف کشیده‌اند برای خرید کتاب کسی که اصلاً اسمش را هم نشنیده‌ایم! از جمله این کتاب‌ها هم می‌شود به کتاب «قهوه سرد آقای نویسنده»

(روزبه معین)، «راز رخسید برملا شد» (علی سلطانی)، «من سر قولم هستم» (امیر علی ق.) و غیره اشاره کرد. در هفته‌های گذشته هم کتابی منتشر شد از سوی یکی از بلاگرهای خارج از ایران که فقط در ایام نمایشگاه، پنج چاپ آن به پایان رسید! هرچند نظرات درباره این پدیده همیشه منفی نبوده است و عده‌ای آن را به سود بازار کم‌درآمد کتاب در ایران می‌دانند. درواقع آنچه اهمیت دارد نظرات اهالی ادبیات است که در این پرونده سراغ‌شان رفتیم تا درباره این جریان بپرسیم. آیا چنین جریانی به سود بازار کتاب است؟ برای آنچه به عنوان صنعت فرهنگ می‌شناسیم چه معایبی قابل تصور است؟ چه جوهی در این بازار مغفول مانده است؟ رسانه‌ها چه وظیفه‌ای دارند؟ و...



به جای «عامه‌پسند» بگوییم «اکثریت‌پسند»

محمد هاشم اکبریانی، نویسنده

●●● در این سال‌ها با انتشار کتاب از طرف بعضی چهره‌هایی مواجه بوده‌ایم که در شبکه‌های اجتماعی به شهرت رسیده‌اند. عده‌ای ما را به سود بازار کتاب می‌دانند و عده‌ای دیگر مضراتش را بیشتر از محاسنش ارزیابی می‌کنند. نظر شما چیست؟

من در مجموع مخالف نیستم، چون فکر می‌کنم مادر جهانی زندگی می‌کنیم که باید واقعیت‌هایش را ببینیم و اقتضائاتش را هم بپذیریم. اینکه شبکه‌های اجتماعی به شکل گسترده‌ای فعال هستند و عده‌ای توانسته‌اند از طریق این شبکه‌ها خودشان را مطرح‌کنند یا مطالبی بنویسند که به هر حال در میان طیفی از مردم خواننده داشته باشد، اشکالی ندارد. ما هم نمی‌توانیم از تمام مردم و گروه‌های اجتماعی انتظار داشته باشیم که مثلاً یک نوع ادبیات خاص را بخوانند. ضمن اینکه شاید این نوع ادبیات نزدیک باشد به نوعی از ادبیات که عده‌ای به آن می‌گویند ادبیات عامه‌پسند؛ هرچند به نظر من باید به آن گفت اکثریت‌پسند. چون آثاری که درباره آن صحبت می‌کنیم پهلوی هم به همین نوع ادبیات می‌زند. من با وجود آن نوع ادبیات هم موافقم. چون دلیلی ندارد ما تقسیم‌بندی را براساس شاخصه‌هایی در نظر بگیریم که فقط نظر خودمان را تأمین کند! درباره ارتباط این نوع کتاب‌ها با چرخه نشر هم، من اتفاقاً با یکی از ناشران درباره یکی از همین کتاب‌هایی که از طرف پسر جوانی، سه چهار سال پیش منتشر شده و خیلی خواننده پیدا کرده بود، صحبت

کرده‌ام. چون همان سال دیدم مردم کنار غرفه ناشر، صفی طولانی بسته‌اند. با ناشر که صحبت می‌کردم، نظرش خیلی موافق بود، چون می‌گفت من با فروش و سودی که از همین کتاب‌ها عاید می‌شود می‌توانم بروم سراغ چاپ کتاب‌های دیگر؛ آن هم کتاب‌هایی که چند سال باید بابت آن سرمایه‌ام بخواهد تا بتوانم آنها را بفروشم. بنابراین در گردش سرمایه نشر، به نظر من تأثیر مثبت دارد. به همین دلیل این جریان، جریانی نیست که بخواهم با آن مخالفت کنم.

●●● بین کلام‌تان اما از «ادبیات اکثریت‌پسند» به جای «ادبیات عامه‌پسند» استفاده کردید. چرا؟

در این مورد خاص، نقد من به جریان روشنفکری است. جریان روشنفکری ما در بسیاری موارد، اکثریت را برای آزادی‌های سیاسی،

اجتماعی و غیره، مبنای قرار می‌دهد. درواقع در بسیاری موارد اکثریت برایش حاوی نوعی ارزش و اعتبار است. مثلاً خیاط، بقال یا خانه‌داری که آشنا با ادبیات و کتاب نیست، وقتی دنباله‌رو جریان‌شان می‌شود و به شخصی خاص رأی می‌دهد، اکثریت را تحسین می‌کنند. درواقع آرای اینها از نظر بخشی از روشنفکران ما آرایشی است که مبنای دموکراسی تعریف می‌شود. ولی همین اکثریت، یعنی زن خانه‌دار، کارگر، کشاورز و حتی پزشک و مهندس و غیره، وقتی با توجه به همه تبلیغاتی که برای یک کتاب شده، می‌روند و به یک نوع ادبیات گرایش پیدا می‌کنند، این نوع ادبیات از نظر روشنفکران ما می‌شود ادبیات عامه‌پسند! خب چرا اسم این را نگذاریم ادبیات اکثریت‌پسند؟ چون اکثر جامعه ما دارند این نوع ادبیات را می‌پسندند.

●●● متوجه‌ام. به نوعی تناقض در این

نوع تفکر اشاره دارید. بله، چون اگر مثلاً درباره رأی دادن، همین اکثریت را حامل نوعی ارزش مثبت می‌دانند، چرا وقتی پای صحبت از خرید فلان کتاب به میان می‌آید، همین اکثریت را فاقد ارزش می‌دانند؟! بعد هم می‌گویند اکثریت نمی‌فهمد یا حتماً باید بروند سراغ یک نوع ادبیات خاص! درحالی‌که من فکر می‌کنم درست این است که بگوییم ادبیات روشنفکران ما، ادبیات اقلیت‌پسند است، چون تعداد خاصی این نوع ادبیات را می‌پسندند. در مقابل، ادبیات عامه‌پسند ما، ادبیات اکثریت‌پسند است. یعنی اگر بخواهیم نوعی تقسیم‌بندی در نظر بگیریم باید بگوییم ادبیات اکثریت‌پسند و ادبیات اقلیت‌پسند. اما خب متأسفانه چون جامعه روشنفکری ما این نوع نگاه را بر نمی‌تابد و سعی می‌کند از جایگاهی که خودش را در آن مستقر می‌داند، پایین نیاید، در حوزه ادبیات هم دست به چنین تقسیم‌بندی‌هایی می‌زند تا ارزش و جایگاه خودش را بالا نگه دارد. هرچند به نظر من این نوع نگاه‌ها خلاف واقعیت‌های موجود است و همین امر باعث می‌شود که با جامعه ارتباط تنگاتنگی هم نداشته باشند. چون خودشان را نخبه می‌دانند و ادبیات‌شان را هم نخبه‌گرای می‌خوانند! آن هم ادبیاتی که نمی‌تواند با جامعه ارتباط بگیرد. برای همین هم هست که بین مخاطب و این نوع ادبیات، در دهه‌های گذشته، فاصله بسیاری افتاده است.



فرهنگ ماد چار آسیب های جدی خواهد شد

علیرضا بهنام، شاعر و منتقد

●●● اواخر دهه ۸۰ بعضی سلبریتی های سینمایی پشت هم به انتشار کتاب علاقه نشان دادند، اما ماجرا در سال های اخیر سمت بعضی سلبریتی های شبکه های اجتماعی رفته و اینها هم شروع به انتشار کتاب کرده اند. این موضوع را چطور ارزیابی می کنید؟

اول اینکه چه دوست داشته باشیم و چه نداشته باشیم، به هر حال کتاب جزئی از صنعت / فرهنگ است. در واقع وقتی در کشوری با اقتصاد بازار زندگی می کنیم، ناچاریم به قواعد بازار در زمینه محصولات فرهنگی آن هم تا حدودی تن بدهیم و مقتضیاتش را بپذیریم. این قضیه مربوط به ایران هم نیست و در همه جای دنیا وجود دارد؛ به این شکل که مشاهیر و سلبریتی ها (به اصطلاح فرهنگ غربی) روی بازارهای جانبی فرهنگی نظیر کتاب، تاثیرگذار هستند. هرچند در کشورهای دیگر، شکل دیگری از مناسبات فرهنگی حکمفرماست.

●●● به چه معنی؟

مثلا فرض کنید بخشی از زندگی خصوصی یک سلبریتی، جنجال ساز می شود و او درباره اش اتوبیوگرافی می نویسد یا دیگران اقدام به انتشار بیوگرافی درباره فرد مورد نظر می کنند. یا به عنوان مثال شما چهره ای مشهور را می بینید که شرح تور کتاب خوانی اش را در قالب یک کتاب به انضمام عکس و تصاویری مربوط به اتفاقات جانبی آن رویداد منتشر می کند که خوب در کشور ما چنین اقداماتی امکان پذیر نیست. البته این نوع تولیدات فرهنگی عموما در سطحی بسیار نازل هستند و با استانداردهای ادبیات معاصر فاصله ای بسیار دارند.

●●● پس اعتقاد شما بر خوب یا بد بودن این پدیده نیست؟

ببینید؛ به این نکته باید توجه کرد که کتاب های مربوطه که درباره آن بحث می کنیم، جایگزین همان بیوگرافی ها و اتوبیوگرافی هاست و در واقع عطش بخشی از مخاطبان فرهنگ مکتوب را نسبت به شناخت بیشتر دنیای مشاهیر صنعت سرگرمی سیراب می کند. کاری هم نمی شود کرد و از این منظر، چنین پدیده ای نه خوب است و نه بد. اما از سویی اگر می شد درست از این پدیده استفاده کرد، می توانست به سود بازار کتاب باشد.

●●● چطور؟

چون به بهانه انتشار همان آثار، افشاری که عموما با کتاب سروکار ندارند، می آیند و مخاطب کتاب مربوطه و به تبع آن، مخاطب کتاب های دیگری غیر از آن کتاب هم می شوند. از این جهت می تواند به سود بازار کتاب باشد.

●●● در کشور ما اما به نظر نمی رسد چنین اتفاقی بیفتد. قبول دارید؟

بله، به این دلیل که مادر ۲۰ سال اخیر در نوعی روند مشکوک افتاده ایم؛ روندی که به نظر نمی آید اتفاقی باشد و باعث شده تمام مکانیسم های تولید و توزیع کتاب مان به هم بریزد. دنباله این جریان به کجا رسیده؟ به جایی که از لحظه تولید کتاب برای بازار، هیچ نوع هدف گذاری صورت نمی گیرد. در واقع پیش فرض ناشر برای انتشار کتاب جدی این است که آن را در تیراژ محدود چاپ کند، نوعی اعتبار فرهنگی به دست بیاورد و برای مولف هم صرفا نوعی ارضای خاطر فراهم می شود. این اتفاقی است که واقعا افتاده. یعنی اصلا کسی دیگر به فروش کتاب فکر نمی کند و هدف گذاری در این زمینه از سوی ناشر انجام نمی شود. از سوی دیگر پیش فرض شبکه توزیع هم این است که کتاب کالایی است که فروش نمی رود. به همین دلیل چون چنین فکری می کنند، اصولا کتاب را عرضه هم نمی کنند. دلیل بعدی هم این است که هر کتابی وقتی قرار باشد به دست مخاطب برسد، مخاطب باید ابتدا از وجودش مطلع باشد. یعنی باید هاله ای گفتمانی حول یک کتاب شکل بگیرد تا مخاطبان از وجودش آگاه شوند، نسبت به آن کنجکاوی پیدا کنند و به دنبالش بروند. این وظیفه کیست؟ وظیفه رسانه ها. درحالی که در ایران شبکه رسانه ای در این حوزه وجود ندارد. در واقع باید سلیقه های مختلف در ستر این شبکه در حال گفت و گو باشند و فضایی زنده حول وحوش یک کتاب شکل بدهند. درحالی که متأسفانه در نوعی فرایند مشکوک، کل این پروسه کاملا بسته شده و از ادبیات جدی دریغ شده است.

●●● چرا چنین فرآیندی را کاملا بسته می بینید؟

چون برنامه های معدودی که در شبکه های ملی نظیر رادیو و تلویزیون درباره کتاب هم بوده، نک به تک از دور خارج شده اند. شبکه های ماهواره ای فارسی زبان هم که ایدا به این ماجرا نمی پردازند. در رسانه های اجتماعی، بلاگرهای جدی هم که قبلا به کتاب می پرداختند یا مجبور به مهاجرت شده اند یا وبلاگ های شان را تعطیل کرده اند. بنابراین ما شاهد یک فضای کاملا بسته و غیرتجاری در زمینه ادبیات جدی هستیم. به همین دلیل حتی حضور سلبریتی ها در دنیای کتاب هم نمی تواند به این فضای مرده جانی دوباره ببخشد. درحالی که مثلا اگر در جای دیگر دنیا بودیم و آن بخش دیگر، درست کار می کرد، این موضوع می توانست به ایجاد هیجان در بازار کتاب بینجامد و به معطوف شدن توجه مردم به کتاب منجر شود. درحالی که در ایران حتی این اتفاق هم نمی افتد. اما ظاهرا تصمیم گذاران مربوط به این حوزه تصمیم شان را گرفته اند. آیند فرهنگ ما هم به طور کلی از این تصمیمی که برای بسته کردن فضای کتاب گرفته شده، آسیب هایی جدی خواهد دید؛ آسیب هایی که خود تصمیم گیران هم نمی توانند تصورش را بکنند. در واقع جامعه ای که در آن جریان آزاد اندیشه و جریان آزاد ادبیات وجود نداشته باشد، مسلما با اتفاقات بسیار بدی مواجه خواهد شد.



پس مانده های صنعت فرهنگ!

فرید قدمی، نویسنده و مترجم

●●● باز دوباره با پدیده ای مواجه هستیم با عنوان انتشار کتاب توسط سلبریتی ها. هرچند این بار سلبریتی هایی که محصول شبکه های اجتماعی هستند.

قبل از هر چیز باید به مفهوم «سلبریتی» بپردازیم، چون به نظر من نمی شود از کلمه «سلبریتی» برای اینها استفاده کرد.

●●● چرا؟

کلمه «سلبریتی» در واقع جانشین مفهوم شهرت کلاسیک شده است. در دوران شکسپیر یا دانته، چاسر و دیگران یا قبل از آنها، شهرت ادبی در میان طبقه اشراف یا طبقه برگزیده پدید می آمد. در واقع نخبه هایی که ادبیات می خواندند و با هنر رابطه داشتند، در طبقه اشراف قرار داشتند. زمانی هم که یک نویسنده محبوب بود، بین این طبقه شناخته می شد. اما کم کم، به تدریج در قرون هجدهم و نوزدهم، مفهوم سلبریتی جای این شکل از شهرت را گرفت؛ به این معنی که آن فرد توسط عامه مردم پاس داشته می شود یا celebrate می شود. این در واقع نتیجه شکل گیری و توسعه دموکراسی هاست که مردم به مرجع اثر ادبی بدل می شوند، نه نخبگان. در واقع پیوندی بین کلمه «سلبریتی» و مفهوم دموکراسی و دموکراتیزاسیون وجود دارد. برای همین زمانی ما می توانیم از یک فرد به عنوان سلبریتی صحبت کنیم که پیوندی هم با مفهوم دموکراسی داشته باشد. اما اینهایی که از آنها صحبت می کنید و امروز نه فقط در ایران بلکه در کشورهای دیگر هم وجود دارند، در واقع پس مانده های صنعت فرهنگ اند. به این معنی که صنعت فرهنگ که از طرفی به اخته سازی سیاسی مشغول است و از طرفی پول سازی می کند، یکسری پس مانده هایی هم تولید می کند که از این طریق هم پول زیادی به دست می آورد و هم جریان اخته سازی فرهنگی جهانی هم پشتش است؛ از جمله دولت های بزرگی مثل آمریکا که از این ماجرا حمایت می کنند. وظیفه این جریان چیست؟ اینکه ادبیات و هنر را به پدیده ای بی خاصیت تبدیل کنند و فرهنگ صنعتی شده را جایگزین آن کنند؛ مثل فرهنگ موسیقی پاپ، سینمایی که می بینیم (چه بخشی از سینمای خودمان، چه هالیوود)، بازار مدل ها. درحالی که به قول فلاسفه اگر آدم لحظه ای اینها را بپوشد، به این سوال می رسد که چرا اینها پیدا می شوند و چرا پاس داشته شوند؟!

●●● اگر بخواهید از محصولات این نوع فرهنگی

صنعتی شده مثال بیاورید، به چه نمونه ای اشاره

می کنید؟ در واقع می خواهم به یک مثال عینی

برسیم.

اوج قضیه مثلا در آدمی مثل کیم کارداشیان متجلی است. شما هر طوری از هر کسی بپرسید این چرا معروف است، چرا شهرت دارد و چرا به ستاره فرهنگ امروز تبدیل شده، پاسخی منطقی پیدا نمی کنید. چرا؟ چون اینها پس مانده های این سیستم هستند و از طریق همین سیستم تغذیه می شوند. در واقع اگر بخوایم به بحث خودمان برگردیم، وقتی یک مدل، یک بازیگر، یک خواننده پاپ یا مثال اینها، کتابی را چاپ و منتشر می کند، از حمایت فرهنگ جهانی همین جریان بهره مند است و آن فرهنگ جهانی پشتیبانی اش می کند، چون این فرهنگ با پسمانده هایش کار می کند؛ همان فرهنگی که من

سال هاست به آن اشاره کرده ام؛ تثلیث نامقدس پاپ، پورن و پاپ کورن که دارد از این جریان حمایت می کند. در واقع این فرهنگ جهانی یک نظام هیولایی است که بی شمار کارمند بی نام و نشان و مشهور دارد و همه شان به نحوی هم این سیستم را تقویت می کنند، هم از آن بهره مند می شوند. وقتی یک مدل یا بازیگر کتابی می نویسد همه این نظام فرهنگی با تمام قدرت خود به خود پشتش می ایستد و برایش تبلیغ می کند و درست برعکس، وقتی نویسنده ای رادیکال یا به عرصه می گذارد، تمام این نظام علیه اش عمل می کند تا به هیچ وجه کارش خوانده نشود، چون خطرناک است.

●●● چرا این به قول شما پس مانده های فرهنگ تا این حد برجسته می شوند؟

اول اینکه خطری برای هیچ کس و هیچ سیستمی ندارند. دوم اینکه پول خوبی هم از همین جریان نصیب سیستمی می شود که دارد اینها را پشتیبانی می کند. شما نظیر همین پول را در سینما می بینید، درمذ می بینید و در تمام چنین پدیده هایی که به آن سیستم متصل هستند، البته پیشتر گفتم اینها پس مانده های همان تولیدات هستند، اما در ایران باید این مفهوم را چند برابر کنید و بگویید پسماند پسماند فرهنگ! مثلا بریتنی اسپیرز که پس ماند فرهنگ غرب است، اخیرا قراردادی چند میلیون یورویی برای کتابی که قرار است بنویسد، امضا کرده، حالا چهره های مبتذل فرهنگی ما هم از آن تبعیت میکنند، درحالی که حتی آن استعداد اندک را هم ندارند؛ یعنی پس ماند چیزی می شوند که خودش پس ماند چیزی است.

●●● سوالی که پیش می آید این است که آیا در کشورهای دیگر صاحب صنعت نشر پیشرفته تر هستند هم ناشران اقدام به انتشار کتاب های این افراد می کنند؟ یا فقط در کشورهای نظیر ایران است که تا این حد برجسته می شوند؟

اتفاقا می خواستم به وجه دوم ماجرا اشاره کنم و به همین موضوع برسیم. وجه دوم چیست؟ اینکه مادر ایران فضای انتقادی و فکری نداریم. برای همین هر کسی آثار خودش را به عنوان ادبیات قالب می کند و می بینیم ناشران بزرگ مان هم می آیند و چنین آثاری را چاپ می کنند. این پدیده، موضوع جدیدی هم نیست. کمی به عقب تر برویم، می بینیم چه چهره های مبتذلی از سینما و تلویزیون آمدند و کتاب چاپ کردند و خیلی هم کتاب های شان با استقبال مواجه شد. اتفاقا ناشران بزرگی هم کتاب های شان را در ایران چاپ کردند. درحالی که شمار کشورهای نظیر فرانسه هیچ وقت چنین اتفاقی را نمی بینید. هیچ وقت نمی بینید در فرانسه یک خواننده یا مدل توانسته باشد با ناشران بزرگ و روشنفکر گرای مثل «گالیلار»، «اکتیه سود» یا «مینویی» کار کند. در مطبوعات روشنفکری شان هم هیچ وقت به این آثار نمی پردازند. اما در ایران ناشران روشنفکری ما می آیند و کتاب های اینها را چاپ می کنند، بعد مطبوعات روشنفکری ما هم به این کتاب ها می پردازند و بدتر از این، روشنفکران ما هم به روابط با اینها افتخار می کنند! می روند با اینها عکس یادگاری هم می گیرند! نمونه اش کتاب آقای صابر ابر است که کتابی کاملا مزخرف بود یا کتاب هایی نظیر کتاب بهاره رهنما و امثال اینها.



قهوه سرد آقای نویسنده / نویسنده: روزبه معین

سوال رو واسه کسی تکرار کرد، مگه وقتی که مطمئن باشی طرف گوش هاش سنگینه، چون در غیر اینصورت طرف داره به این فکر می کنه چه خزعاتی تحویلت بده، اگه می خواست راستش رو بگه قطعاً همون اول می گفت.»

«فکر می کنم خدا سه چیز رو با ذوق بیش تری افریده: زن، هنر، عشق. اما در عجب تورا با چه شور و حالی افریده: زن هنرمند عاشق.»

«تو واسم اون صدای قشنگ بودی که من به خاطرش هیچ صدایی رونشنیدم!»



سال چاپ: ۱۳۹۶ / چاپ هشتاد و پنج
تعداد دنبال کنندگان در اینستاگرام: ۵۵ هزار نفر

اینها جملاتی است از روزبه معین که در یکی از مصاحبه هایش گفته بود: «دستم خسته شد از بس که در روممایی، کتاب امضا کردم. در روممایی دوسه هزار نفر آمده بودند و اتفاقاتی افتاد که بعد از دو سه ساعت نیمه کاره رها شد و مراسم را جمع کردند. در روممایی دوم که تا چاپ سوم به فروش رسید، هفته بعدش سه روز در نمایشگاه کتاب، مخاطبان صف ایستاده بودند که از سالن کتاب های عمومی به سمت سالن کتاب های دانشگاهی رفت. بعد از آن در مشهد هم همین اتفاق افتاد. هشت ساعت جشن امضا طول کشید.» صحبت معین کم و بیش واقعیت دارد، چرا که تعداد چاپ رمانش خود نشان می دهد با چه حجم از درخواستی مواجه بوده. اولیاسانس مهندسی شیمی از دانشگاه اراک دارد و تاپیش از انتشار کتابش هم هیچ حرف و سخنی درباره نویسندگی اش مطرح نبود. در فضای مجازی فعالیت داشت و به واسطه فالوئرهایش هم توانست جمعیت زیادی را برای خرید کتابش ترغیب کند. کتابی که فاعه ای تمام عیار در عرصه داستان نویسی است! چرا که خط روایی قصه چندان مشخص نیست، حجم کثیری از صفحات به بیان ذهنیات سطحی نویسنده می گذرد و در کل، تمام کتاب در حد یک وبلاگ نویسی متوسط است. به این نمونه ها دقت کنید: «هیچوقت نباید به

منِ احمق / نویسنده: شیما کاتوزیان

«من کمتر چیزی را به خاطر نمی آورم.»

«آن وقت ها کمتر حسود داشتم، همه بداند که در حدی که در سن کم خواستگاری برای ازدواج داشته باشم، زیبا هستم.»

«کمی و فقط کمی از روز گذشته، مثل همه روزها. کم کم کمی می گذرد و نهایتا شب می شود و بعد روز بعدی...»



سال چاپ: ۱۴۰۱ / چاپ هفتم
تعداد دنبال کنندگان در اینستاگرام: یک میلیون نفر

اگر نگاهی به صفحه شیما کاتوزیان در اینستاگرام ببندازید، کاملاً متوجه فعالیت های او خواهید شد؛ تصاویر و ویدیوهایی حول وحوش آرایش، زیبایی، فلان پماد و کرم و رنگ چشم و از این قبیل مسائل. نه اینکه فعالیت در این زمینه ها سخیف باشد. به هر حال هر کسی ممکن است در زمینه های مختلف آرایشی و بهداشتی کسب و کاری داشته باشد. ماجرا اما جایی لوٹ می شود که طرف رمانی هم می نویسد و آن را در ایران منتشر می کند و کار هم در همان ایام نمایشگاه به چاپ پنجم می رسد؛ آن هم در حالی که پر از غلط های صرفی و نحوی و داستانی و خلاصه انواع سهل انگاری هاست. البته کاتوزیان مدت ها بلاگر بوده و در مدت فعالیت در همین حوزه هم توانست به فالوئرهای بالا دست پیدا کند. هرچند چند جمله از کتابش نشان می دهد که حتی در جمله بندی ساده هم مشکل دارد.

به این نمونه ها دقت کنید:

«یکی از ما دو نفر احمق بود و اگر یکی از آن دو نفر من بودم، عالی بود.»

استقلال‌ها فضای مجازی را منفجر کردند!

ناراحتی طرفداران آبی؛ سرمربی نداریم، از رقیب سنتی هم عقب افتاده‌ایم



برای استقلال این است که در حال حاضر به غیر از جواد نکونام گزینه ایرانی باتجربه دیگری وجود ندارد که حضورش طرفداران را راضی کند. از طرف دیگر، انتخاب سرمربی خارجی نیز با توجه به نرخ کنونی ارز هزینه سنگینی روی دست باشگاه می‌گذارد. همین موضوع مدیران را به یک چالش بزرگ رسانده است. در چنین شرایطی شنیده می‌شود که استقلال‌ها از وزارت ورزش هم در این باره کمک خواسته‌اند تا طی روزهای آینده شرایط برای این تیم بهتر از قبل شود. اما اینکه چه کسی سرمربیگری استقلال را قبول می‌کند و این تیم چگونه از بحران موجود خارج خواهد شد، سوالی است که شاید هواداران آبی تا مدت‌ها جواب آن را دریافت نکنند.

انتقادهای گسترده از آجورلو و دوستان
اگر سری به صفحات هواداران استقلال در شبکه‌های اجتماعی بزنید، موجی از انتقاد نسبت به عملکرد مدیریت باشگاه را مشاهده می‌کنید. طرفداران استقلال با جملاتی طنزآلود و همچنین جدی نسبت به عملکرد مدیران باشگاه گلایه دارند و خواهان آن هستند تا هرچه زودتر سرمربی جدید انتخاب شود و وضعیت تیم بهبود پیدا کند. آنها دیرکرد مدیران در انتخاب سرمربی را دلیل شرایط عجیب این روزهای استقلال می‌دانند که البته بیراه هم نیست.

این بحران کی تمام می‌شود؟
مساله مهم در پروسه انتخاب سرمربی جدید

تیم وجود داشت تا شرایط خوب ادامه یابد. استقلال با هدایت فرهاد مجیدی رکوردهای بی‌شماری را به ثبت رساند و طبیعی است در این وضعیت طرفداران امیدوار باشند تا با ادامه روند خوب گذشته تیم‌شان در فصل جدید نیز از عنوان قهرمانی‌اش دفاع کند. حالا اما وضعیت برای استقلال‌ها خوب پیش نرفته است. وضعیت کنونی استقلال قطعا مورد قبول مصطفی آجورلو و سایر مدیران باشگاه هم نیست. مدیران استقلال تصور نمی‌کردند تیم‌شان بعد از جدایی مجیدی به یک بحران عجیب فرو برود، اما آنها تا این لحظه نتوانسته‌ند شرایط را مهیا کنند و همین مساله است که در فضای مجازی اعتراض‌های زیادی را برای آنها به همراه داشته است.

حاصل شد. با اینکه طرفداران استقلال منتظر اعلام رسمی سرمربیگری نوری بودند، اما ناگهان خبر آمد که پیشنهاد مالی بالای این مربی باعث شده تا آبی‌ها قید عقد قرارداد با او را بزنند. با این حساب انتخاب مربی استقلال وارد پروسه تازه‌ای خواهد شد. اکنون به نظر می‌رسد با منتفی شدن حضور این مربی، مدیران استقلال در نهایت به مذاکرات برای استخدام یک سرمربی خارجی روی بیاورند. اتفاقی که تا امروز به هر دلیلی نسبت به آن نظر مثبتی نداشتند.

نقل و انتقالات استقلال روی هوا

مسئولان باشگاه استقلال تا زمان انتخاب سرمربی جدید طبیعتا نمی‌توانند وارد بازار نقل و انتقالات تابستانی هم بشوند. جذب نفرات جدید و تمدید با بازیکنان کنونی باید با نظر سرمربی صورت بگیرد و با توجه به اینکه سرمربی جدید استقلال مشخص نشده، عملا آبی‌ها در حوزه نقل و انتقالات نیز عاجز مانده‌اند و نمی‌توانند کاری را جلو ببرند. این در حالی است که رقیب سنتی استقلال یعنی پرسپولیس حضوری فعال و مقتدرانه در نقل و انتقالات داشته و توانسته روزهای خوبی را سپری کند.

پرسپولیس‌ها بعد از توافق با یحیی گل محمدی برای فصل جدید ستاره‌های نامداری مثل علیرضا بیرانوند، سروش رفیعی، مرتضی پورعلی‌گنجی و دانیال اسماعیلی‌فر را به خدمت گرفته و به بهترین شکل ممکن تیم خود را تقویت کرده‌اند. فضای گسترده و پرخبر تیم پرسپولیس در نقل و انتقالات باعث شده تا صدای اعتراض هواداران استقلال در بیاید.

قهرمان ایران در آمباس!

بعد از قهرمانی استقلال در لیگ برتر بیست و یکم امیدواری‌های زیادی نزد هواداران این

شهروند! طرفداران استقلال و حتی مدیران این باشگاه تصور نمی‌کردند که بعد از جدایی فرهاد مجیدی با بحرانی عجیب و غریب مواجه شوند. مدیران استقلال و در رأس آن مصطفی آجورلو با گذشت حدود دو هفته از جدایی مجیدی هنوز نتوانسته‌اند سرمربی جدید خود را معرفی کنند و در کنار این موضوع از نقل و انتقالات و بحث‌های مربوط به آماده‌سازی برای لیگ جدید هم عقب مانده‌اند؛ اتفاقی که باعث ناراحتی شدید هواداران این تیم شده است.

بحران‌های عجیب در مقوله انتخاب سرمربی در روزهای اول بعد از جدایی مجیدی، گزینه اول و آخر مدیران استقلال برای سرمربیگری این تیم جواد نکونام بود. مربی‌ای که از دوران بازی خود در پاس تهران رابطه خوبی با آجورلو داشت و حتی در مقطعی در تراکتور نیز قرار بود هدایت این تیم را برعهده بگیرد، اما شرایط مهیا نشد. بلافاصله بعد از موافقت با استعفاي مجیدی، مذاکرات با نکونام آغاز شد و تا مراحل نهایی نیز پیش رفت. در ادامه اما فشارهای هواداری در صفحات مجازی و البته شرایط خوبی که این مربی در فولاد داشت، باعث شد تا او پیشنهاد آجورلو را رد کند و تصمیم به ماندن در خوزستان بگیرد. جواب رد نکونام به پیشنهاد استقلال دقیقا همان مساله‌ای بود که مدیریت استقلال تصورش را نمی‌کرد و باعث شد تا آبی‌ها وارد یک چالش بزرگ برای انتخاب سرمربی شوند.

در آن حال و هوا البته آندره آستراماچونی نامی بود که در صفحات مجازی بارها مطرح شد، اما آجورلو هرگز با توجه به پرونده در جریان فیفایی، با او مذاکره‌ای انجام نداد تا خیلی سریع شایعه استراماچونی تکذیب شود. در ادامه گزینه‌های خارجی دیگر وسط آمد، اما توافق اولیه استقلال با الکساندر نوری، مربی ایرانی‌الصل که سال‌ها در آلمان کار کرده،

اسکوچیچ فعلا هست، مگر اینکه دستور بدهند!

اگرچه فدراسیون فوتبال از اسکوچیچ حمایت کرده اما بعید نیست در آینده‌ای نزدیک این مربی از هدایت تیم ملی برکنار شود

وضعیت اردویی و بازی‌های تدارکاتی را روشن نمی‌کند. از سوی دیگر، اسکوچیچ نیز فعلا در تهران منتظر برگزاری جلسه با ماجدی و سایر مسئولان فدراسیون فوتبال است، اما او نیز موفق به دیدار با آنها نشده تا باتکلیفی روی نیمکت فراتر هم برود.

آیا فدراسیون منتظر دستور کسی است؟
در کنار همه این اتفاقات، سه‌شنبه‌شب حمید سجادی، وزیر ورزش و جوانان به همراه چند نماینده مجلس دیداری با حمید استیلی، مدیر تیم ملی و همچنین وحید هاشمیان، دستیار ایرانی اسکوچیچ داشتند. اگرچه وزارت ورزش طی اطلاعیه‌ای هرگونه دخالت در امر تغییر سرمربی تیم ملی فوتبال را رد کرده بود، اما بعید است در جلسه اخیر درباره موضوعات مربوط به نیمکت تیم ملی بحث نشده باشد. بی‌تردید استیلی و هاشمیان به عنوان نمایندگان میرشاد ماجدی در جلسه با وزیر شرکت کردند. از سوی دیگر، صحبت‌های ماجدی مبنی بر اینکه تا این لحظه اسکوچیچ سرمربی است، نشان‌دهنده آن است که شاید در آینده اتفاقات جدیدی حول نیمکت تیم ملی فوتبال و سرمربی کروات رخ بدهد. هرچه که هست اوضاع نیمکت تیم ملی بسیار پیچیده‌تر از قبل به نظر می‌رسد و حالا باید دید طی روزهای آینده شاهد چه اتفاقاتی خواهیم بود.



فدراسیون فوتبال برمی‌آید، هنوز وضعیت اسکوچیچ روی نیمکت تیم ملی مشخص نیست. مربی کروات این روزها اگرچه قرار نیست اردویی برگزار شود و بازی دوستانه‌ای داشته باشیم، اما فعلا در تهران حضور دارد و شاید بتوان گفت که منتظر تعیین تکلیف خودش است. با این حال، مدیران فدراسیون فوتبال با وجود حمایت ضمنی، هنوز هیچ جلسه‌ای با اسکوچیچ نداشته‌اند. اصل ماجرا این است که هنوز هیات رئیسه فدراسیون فوتبال تصمیم ویژه‌ای درباره نیمکت تیم ملی نگرفته و به همین خاطر حتی برای فیفادی بعدی در شهریورماه نیز

و هندل کردن کارها زیاد است، نمی‌توانی به تنهایی تصمیم‌گیری. آدم زنگ کسی است که آن مشورت را بگیرد و نهایتا تصمیم بگیرد.» مبهم‌ترین بخش حرف‌های ماجدی درباره اسکوچیچ آنجا بود که گفت: «اسکوچیچ قرارداد دارد و مورد حمایت فدراسیون است، اما باز هم عرض می‌کنم بالاتر از تیم ملی هیچ آدمی نیست. نه تنها من بلکه هر کسی که در این کشور زندگی می‌کند، منافع ملی‌اش ارزشمندتر از فرد دیگری است.»

اسکوچیچ در باتکلیفی محض
این‌طور که از صحبت‌های سرپرست

فدراسیون است. اولویت خود من و اعضای هیات رئیسه فدراسیون تیم ملی است و بزرگ‌تر از نام تیم فوتبال کشورمان در بحث فوتبالی و ورزشی نام دیگری نیست. تیم ملی اولویت است و ما هر کاری برای سربلندی کشورمان انجام خواهیم داد؛ مخصوصا برای تیم ملی.»

از این صحبت‌های ماجدی می‌توان این‌طور برداشت کرد که فشارهایی از سوی مراجع بالاتر برای برکناری اسکوچیچ وجود دارد. سرپرست فدراسیون ادامه داد: «تا این لحظه سرمربی با ما قرارداد دارد و ما به قرارداد با ایشان متعهد هستیم. هیچ نهادی به ما فشار نمی‌گذارد. یکی از مباحثی که همیشه داریم و یکی الزاماتی که فیفا و AFC همیشه انجام می‌دهند، این است که شخص سومی در فدراسیون فوتبال دخالت نکند. تا اینجا هم سعی کرده‌ایم این استقلال را حفظ کنیم. تا الان کسی به من نه فشاری گذاشته، نه اجباری کرده است.»

اگرچه ماجدی فشارهای بیرونی برای برکناری اسکوچیچ را رد کرد، اما در ادامه حرف‌هایی زد که ماجرا را پیچیده‌تر کرد. او در بخش مهم صحبت‌هایش گفت: «یک جاهایی دوستان مشورت می‌دهند و عقل سلیم این است که بپذیری. انسان کامل نیست و مخصوصا با شرایطی که الان ما در فدراسیون داریم و فشار و هجمه روی ما زیاد است؛ از لحاظ کاری بحث بودجه فدراسیون

با گذشت سه روز از دیدار ایران و الجزایر، انتقادات از عملکرد دراگان اسکوچیچ، سرمربی تیم ملی ادامه دارد. در فضای مجازی بسیاری از طرفداران فوتبال خواهان برکناری اسکوچیچ هستند و در نقد او مطالبی منتشر می‌کنند. در رسانه‌ها نیز کم نیستند افرادی که به ضعف‌های قابل مشاهده این مربی کروات اشاره می‌کنند و به طور کلی می‌توان گفت اقبال عمومی نسبت به سرمربی تیم ملی بسیار پایین آمده است.

در چنین فضایی موضع‌گیری شفاف فدراسیون فوتبال در قبال اسکوچیچ موضوع مهمی تلقی می‌شود. حالا حتی کار به جایی رسیده که سرپرست فدراسیون هم اگرچه از اسکوچیچ حمایت می‌کند، اما حرف‌های مبهمی را بر زبان می‌آورد که قابل تامل است.

حرف‌های مبهم ماجدی و دامن زدن به شایعات

میرشاد ماجدی، سرپرست فدراسیون فوتبال سه‌شنبه‌شب در یک برنامه تلویزیونی در شبکه ورزش حضور یافت و صحبت‌هایی در خصوص وضعیت اسکوچیچ کرد. او اگرچه اعلام کرد که از این مربی حمایت می‌کند، اما مسائلی را بر زبان آورد که نشان می‌دهد شاید اتفاقات جدیدی رخ بدهد.

این جملات ماجدی را بخوانید: «آقای اسکوچیچ با ما قرارداد دارد و قطعاً مربی‌ای که قرارداد دارد در حفاظت و حمایت کامل

ساماندهی کرد و میزان تلفات و حوادث را کاهش داد. اما این اهداف به چه میزان با این طرح همخوانی دارد؟

ظرفیت معابر ما تکمیل است؛ پیش از اجرا مطالعه کنید!



محمد علیخانی، رئیس سابق کمیسیون عمران و حمل و نقل شورای شهر تهران و متخصص حوزه حمل و نقل در این خصوص گفت: «باتوجه به اینکه در کشور ما تاکنون چنین تجربه‌ای وجود نداشته، باید ببینیم تجربه دنیا چه بوده و آیا معابر این اجازه را می‌دهد یا نه.»

او افزود: «ظرفیت معابر مادر حال حاضر تکمیل است، چراکه خط ویژه اتوبوس و مسیر دوچرخه داریم. با این شرایط اجرای این طرح سخت است.» علیخانی عنوان کرد: «باید همه اینها مورد مطالعه قرار بگیرد و باتجربه کشورهای دیگر تطبیق داده شود. نتیجه مطالعات لازم است مشخص شود و اجرای آن امر ساده‌ای نیست. موتورسواران تا خودشان ساماندهی نشوند در چارچوب قرار نمی‌گیرند، چراکه در حال حاضر در خیابان و پیاده‌راه تردد می‌کنند.»

عضو شورای شهر پنجم اضافه کرد: «وضعیت موتورسیکلت‌ها ناپس‌امان است و قانونمند نیستند. برخی از آنها شماره ندارند و باید خط‌کشی کردن خیابان در مرحله بعد رخ دهد. این کار پیش‌نیازهایی دارد. باید آمار درستی از موتورسیکلت‌ها احصا شود.»

او بیان اینکه کسی نمی‌داند آمار موتورسیکلت‌ها در تهران چقدر است، افزود: «باید اطلاعات موتوری‌ها تکمیل و ساماندهی شود و سپس این طرح‌ها بعد از مطالعه به مرحله اجرا درآید.»

علیخانی با اشاره به اینکه اگر برای موتوری‌ها چارچوب در نظر گرفته شود، اتفاق خوبی است، گفت: «باید ابتدا ساماندهی انجام شود. این کارها ساده نیست. در بحث دوچرخه خیلی از مسیرها قابل اجرا نیست و خیلی فضاهایی هم که ایجاد شده کارشناسی شده نیست و اگر موتور هم به این خطوط اضافه شود مشکلات بیشتر می‌شود.»



ظرفیت معابر مادر حال حاضر تکمیل است، چراکه خط ویژه اتوبوس و مسیر دوچرخه داریم. با این شرایط اجرای این طرح سخت است. موتورسواران تا خودشان ساماندهی نشوند در چارچوب قرار نمی‌گیرند، چرا که در حال حاضر در خیابان و پیاده‌راه تردد می‌کنند.



درسی که از گذشته باید گرفت

خیابان‌های پایتخت پر از خط‌کشی‌هایی است که به هر یک از مدل‌های حمل و نقلی تعلق دارد. خط‌کشی برای اتوبوس، خط‌کشی برای دوچرخه و حالا موتورسیکلت. فارغ از اینکه این‌گونه طرح‌ها تا چه حد دارای پیوسته‌های مطالعاتی است، این سوال ایجاد می‌شود که خیابان‌های تهران چقدر برای کوچک شدن و تقسیم‌بندی‌ها استاندارد هستند و آیا این اقدام سبب تشدید ترافیک نخواهد شد؟ آیا بناست با آزمون و خطا طرحی با هزینه گزاف کلید بخورد و پس از آن به آسیب‌شناسی بپردازند و دست‌ها را بالا بگیرند و خطوط ویژه را تبدیل به پارکینگ کنند؟ اینها سوالاتی است که شاید در آینده جواب‌شان شفاف‌تر شود. حال باید ببینیم شوراییان چه رأی برای این طرح خواهند داشت.

قرمزهاست. با این روش در پی منظم شدن رفتار موتورسواران هستیم و این طرح از مرکز شهر شروع می‌شود. این طرح هنوز تصویب نشده و در مرحله مطالعات و بررسی است.»

او در پاسخ به این سوال که این طرح در معابر تهران که چندان عریض نیست چگونه اجرا خواهد شد، گفت: «ما قیاس برای دوچرخه توانستیم این کار را انجام دهیم و برای موتور صرفاً با خط‌کشی این اقدام انجام می‌شود. تاکنون طبق بررسی‌ها مشکلی از لحاظ معابر نداریم.»

عضو کمیسیون عمران و حمل و نقل شورای شهر تهران در خصوص سرنوشت خطوط دوچرخه گفت: «خطوط دوچرخه مناسب برای موتورسوارها نیست. چون خطوط دوچرخه در لاین کندرو حرکت می‌کند و موتورسوار در لاین تندرو تردد می‌کند و اگر این لاین‌هایکی باشد برای عابران اسباب زحمت می‌شود. موتور هم وسیله تندروری است و باید در لاین تندرو باشد تا آسیبی به آنان وارد نشود و ایمنی‌شان هم حفظ شوند.»

آقامیری در خصوص معابری که این طرح بناست در آنها اجرا شود، گفت: «از مراکز شهر شروع می‌کنیم. نیاز نیست در کل تهران این طرح را اجرا کنیم. در جاهایی که ترافیک بالاست و تردد موتورسوارها زیاد است این طرح اجرا می‌شود.»

ایجاد خط ویژه برای مسیر بدون خودرو

جالب است بدانید ایجاد خط ویژه برای موتورسوارها در بهمن ۱۴۰۰ کلید خورده است. امیر یزدی، شهردار منطقه ۱۲ در این باره توضیح داد: «این مسیر از اولین مسیرهای ویژه تردد موتورسیکلت در شهر تهران به شمار می‌رود. در سه‌راه امین حضور دو دهانه تونل وجود دارد که حرکت وسایل نقلیه از تونل جنوبی آن به سمت خیابان ۱۷ شهریور و از تونل شمالی به سمت بزرگراه امام علی (ع) شمال صورت می‌گیرد. موتورسواران به دلیل تقاضایی که از خیابان ۱۷ شهریور به سمت بازار تهران وجود دارد، از تونل جنوبی حرکت خلاف انجام می‌دادند و به صورت خلاف جهت حرکت از خیابان ۱۷ شهریور وارد تونل جنوبی می‌شدند؛ یعنی در تونل جنوبی که مسیر حرکت، غرب به شرق است، موتورها از شرق به غرب وارد این تونل می‌شدند تا بتوانند به خیابان امین حضور دسترسی پیدا کنند.»

گرچه این مجموعه با خط‌کشی جدا شده و بخش زیادی از خیابان راحت تأثیر قرار داده، اما مشخص نیست تا چه حد موفق بوده است و تا چه میزان به اهداف خود رسیده است.

شهردار منطقه ۱۲ در گفت‌وگو با خبرنگار شهروند در رابطه با میزان موفقیت این طرح گفته است که این طرح خیلی خوب بوده و از آن زمان تاکنون تصادفات کاهش یافته.

یزدی در خصوص وضعیت ترافیکی معبر پس از اجرایی شدن آن تصریح کرد: «آن بخش از تونل که برای این طرح جداسازی شد بدون استفاده بود. اما جای دیگر اگر بخواهند این طرح را اجرا کنند نیاز به مصوبه ترافیکی دارد و باید از راهور تأییدیه دریافت کرد.» شهردار منطقه ۱۲ افزود: «آن قسمت تونل اصلاً ماشینی تردد نمی‌کرد و پس از این اتفاق دیگر تصادف نداشتیم. مادر آن منطقه مرتب تصادف داشتیم.»

یزدی در خصوص اینکه آیا در منطقه ۱۲ در سایر قسمت‌ها هم این طرح را اجرایی می‌کنید یا خیر، اظهار کرد: «پیشنهاداتی شده و در حال بررسی هستیم. در جریان طرح شورایاستم.»

مدیران شهری دوره ششم معتقدند که با اجرایی کردن این دست طرح‌های می‌توان موتورسواران را



خط رو خط؛ یک متر و ۲۰ سانت برای موتورسواران

نقشه جدید مدیریت شهری تهران از راه رسید

سیمین برادران - شهروند! نام پایتخت با ترافیک شدید گره خورده است.

ترافیکی که ساعت‌ها وقت و انرژی شهروندان را به باد می‌دهد، اما مردم به دنبال دور زدن ترافیک، از سایر وسایل برای تردد استفاده می‌کنند که این روزها مهم‌ترین و پرسرعت‌ترین‌شان موتورسیکلت است؛ موتورسیکلتی که شاید نبض بخشی از بازار تهران را در دست دارد، اما مخاطرات تردد با موتورسیکلت آنقدر زیاد است که مدیران شهری به فکر راه چاره افتاده‌اند.

در دوره پنجم مدیریت شهری طرح رفت و آمد با دوچرخه برای دور زدن ترافیک راه افتاد و کیوسک‌های بیدود در سطح خیابان‌های پایتخت جای گرفت و همه شهرداران مناطق برای افزایش رضایت شهردار وقت، خط‌های ویژه دوچرخه را یکی پس از دیگری سامان دادند. اما چندی نگذشت که به دلایل مختلف این طرح با شکست مواجه شد و خطوط مخصوص

دوچرخه حالا به پارکینگ موتورسواران تبدیل شده است!

عدم مطالعه درست و رفتارهای هیجانی هزینه‌های زیادی را که برای این طرح صرف شده بود، هدر داد. اما مدیریت جدید شهری نگاه خود را به سمت موتورسواران چرخانده و این روزها مدیریت شهری ششم نیز به دنبال ساماندهی موتورسواران تهران افتاده است؛ موتورسوارانی که از هیچ قاعده و قانونی پیروی نمی‌کنند؛ خیابان را برعکس می‌آیند، از خط ویژه عبور می‌کنند، در بزرگراه‌ها با سرعت حرکت می‌کنند. گاهی به باربر تبدیل می‌شوند و به‌طور کلی مخاطرات زیادی در شهر به وجود می‌آورند.

بحث ساماندهی موتورسواران از تخصیص یک خط تردد مخصوص برای آنان کلید خورد. فارغ از اینکه خیابان‌های تهران پر از خط و خش برای تردد انواع مدل‌های حمل و نقلی است، اما جزییات این طرح جدید چیست و چقدر می‌تواند به موفقیت ختم شود؟



علاوه بر مصوبه شورای ترافیک، در قرارگاه حمل و نقل نیز بر مساله ساماندهی موتورسیکلت‌ها تأکید شده است. نمی‌توانیم این انبوه موتورسیکلت‌ها و راکبان را نادیده بگیریم و برایشان هیچ برنامه مشخصی نداشته باشیم.



باید این مشکلات نیز رفع شود و برای هر سازمان تکالیفی در نظر گرفته شده است که علاوه بر مصوبه شورای ترافیک، در قرارگاه حمل و نقل نیز بر مساله ساماندهی موتورسیکلت‌ها تأکید شده است. اکنون در حال مطالعه برای امکان‌سنجی معابر پایتخت هستیم تا ببینیم این طرح یعنی ایجاد خط ویژه برای تردد موتورسیکلت‌ها در کدام قسمت شهر ایجاد شود و بعد از آن این طرح یعنی ایجاد خطوط ویژه برای تردد موتورسیکلت‌ها مدتی اجرا خواهد شد و در صورت موفقیت‌آمیز بودن، تسری می‌یابد اما اکنون در حال مطالعه اجرای طرح هستیم.»

جزییات طرح خط ویژه برای موتورسواران چیست؟

سید محمد آقامیری، عضو شورای شهر تهران و عضو کمیسیون عمران و حمل و نقل شورای شهر تهران با اشاره به جزییات این طرح به خبرنگار



معاون شهردار تهران: موتورسواران را نادیده نگیریم

مجتبی شفیع، معاون حمل و نقل ترافیک شهرداری تهران در مورد ایجاد مسیر تردد ویژه برای موتورسیکلت‌سواران گفته است که ما نباید صورت مساله موتورسیکلت‌ها را پاک کنیم، چراکه موتورسیکلت در جامعه ما یک واقعیت است و تعداد آن نیز به هر دلیلی اعم از اقتصادی و غیر اقتصادی، هر روز بیشتر می‌شود.

بنا به گفته شفیع، پلیس اعلام کرده که حدود ۳ تا ۴ میلیون موتورسیکلت در تهران بر اساس شماره‌گذاری انجام شده، فعال هستند، حتی اگر تعداد موتورسیکلت‌ها را در تهران عددی زیر یک میلیون در نظر بگیریم، باز هم با عدد بزرگی مواجه می‌شویم که در معابر تهران تردد می‌کنند و نمی‌توانیم این انبوه موتورسیکلت‌ها و راکبان را نادیده بگیریم و برایشان هیچ برنامه مشخصی نداشته باشیم.» او ادامه داد: «در این طرح به ساماندهی رفتار ترافیکی موتورسیکلت‌سواران توجه شده که البته علاوه بر مباحث قانون‌گرایی که نیاز به فرهنگ‌سازی دارد، ما با موضوعاتی در مورد پلاک و هویت موتورسیکلت نیز مواجه هستیم که

آبله میمونی چیست؟ علائم، راه انتشار و روش پیشگیری

راههای پیشگیری از آبله میمونی



حال که دیدیم بیماری آبله میمونی چگونه سرایت می کند، بررسی راههای پیشگیری از آن قابل فهم تر خواهد بود. برای جلوگیری از ابتلا به ویروس آبله میمونی، اقدامات متعددی وجود دارد:

- ➔ از تماس با حیواناتی که می توانند حامل ویروس باشند (از جمله حیواناتی که بیمار هستند یا در مناطقی که در آنها آبله میمونی دیده شده است، زندگی می کنند) خودداری کنید.
- ➔ از تماس با موادی مانند ملافه که با حیوان بیمار تماس داشته است، خودداری کنید.
- ➔ بیماران آلوده را از کسانی که در معرض خطر عفونت هستند، جدا کنید.
- ➔ پس از تماس با حیوانات یا انسان های آلوده، بهداشت دست را به خوبی رعایت کنید. به عنوان مثال، شستن دست ها با آب و صابون یا استفاده از ضد عفونی کننده دست مبتنی بر الکل.
- ➔ هنگام مراقبت از بیماران از تجهیزات حفاظت فردی (PPE) استفاده کنید.

اگر احياناً به منطقه ای سفر می کنید که در آن مواردی از ابتلا به آبله میمونی دیده شده است، رعایت اقدامات زیر جدا توصیه می شود:

- ➔ به حیوانات وحشی یا ولگرد از جمله حیوانات مرده نزدیک نشوید.
- ➔ از دست زدن و خوردن گوشت شکار خودداری کنید.
- ➔ رختخواب یا حوله را با افرادی که حالشان خوب نیست و ممکن است آبله میمونی داشته باشند، به اشتراک نگذارید.
- ➔ با افرادی که علائم سرماخوردگی یا جوش های قرمز پوستی دارند، تماس نزدیک نداشته باشید.
- ➔ گوشت کاملاً پخته مصرف کنید.

علائم اولیه عبارتند از:

- ➔ تب که معمولاً اولین علامت است
- ➔ سردرد
- ➔ دردهای عضلانی
- ➔ کمر درد
- ➔ خستگی
- ➔ لرز
- ➔ غدد لنفاوی متورم که به عنوان لنفادنوپاتی شناخته می شود

پس از ایجاد تب، بثورات پوستی (جوش های چرکین) معمولاً یک تا ۳ روز بعد ظاهر می شوند. بثورات معمولاً موارد زیر را تحت تاثیر قرار می دهد:

- ➔ پوست صورت که رایج ترین نشانه انواع آبله است
- ➔ کف دست
- ➔ کف پا
- ➔ دهان
- ➔ اندام تناسلی
- ➔ چشم ها، از جمله ملتحمه و قرنیه

راههای انتشار آبله

آبله میمونی از طریق تماس مستقیم با مواد زیر از بدن حیوان یا انسان مبتلا به عفونت پخش می شود:

- ➔ خون
- ➔ مایعات بدن
- ➔ ضایعات پوستی یا مخاطی
- ➔ قطرات تنفسی بر ای تماس انسان با انسان

این مواد می توانند از طریق تنفس، غشاهای مخاطی یا پوست خراشیده شده وارد بدن شوند. مرکز کنترل و پیشگیری از بیماری (CDC) می گوید که شیوع فرد به فرد در آبله میمونی بسیار کم است. در واقع انتقال انسان به انسان معمولاً فقط از طریق تماس طولانی مدت چهره به چهره از فاصله بسیار نزدیک و پرش قطرات تنفسی بزرگ از دهان فرد آلوده به دهان فرد غیر آلوده رخ می دهد. گفته می شود که اگر برای مدت ۳ ساعت در فاصله ۱،۵ تا ۲ متری از فرد آلوده قرار داشته باشید و با او بدون استفاده از ماسک (برای هر دو نفر) صحبت کنید، احتمالاً به آبله میمونی مبتلا خواهید شد! پس

همان طور که می بینید، سرعت و شدت انتقال این بیماری در مقایسه با سایر بیماری های ویروسی مانند کووید -۱۹ بسیار کمتر است و به همین دلیل است که محققان نگران ایجاد یک اپیدمی بزرگ از آبله میمونی نیستند. با این حال عوارض این بیماری روی پوست آنچنان زیاد است که همچنان باید مراقب آن بود. به غیر از عوارض پوستی، طبق گفته CDC، از هر ۱۰ مورد، یک مورد آبله میمونی منجر به مرگ می شود. پس هیچ گاه نباید این بیماری را دست کم گرفت و با آبله مرغان مقایسه کرد. به هر حال آبله از قدیم الایام تا سده های پیش یکی از عوامل اصلی مرگ و میر در بین انسان ها بوده است.

موارد مرگ و میر آبله میمونی در افرادی که علائم شدید بیماری را

تجربه می کنند، بیشتر است. عوامل خطر برای موارد شدید عبارتند از:

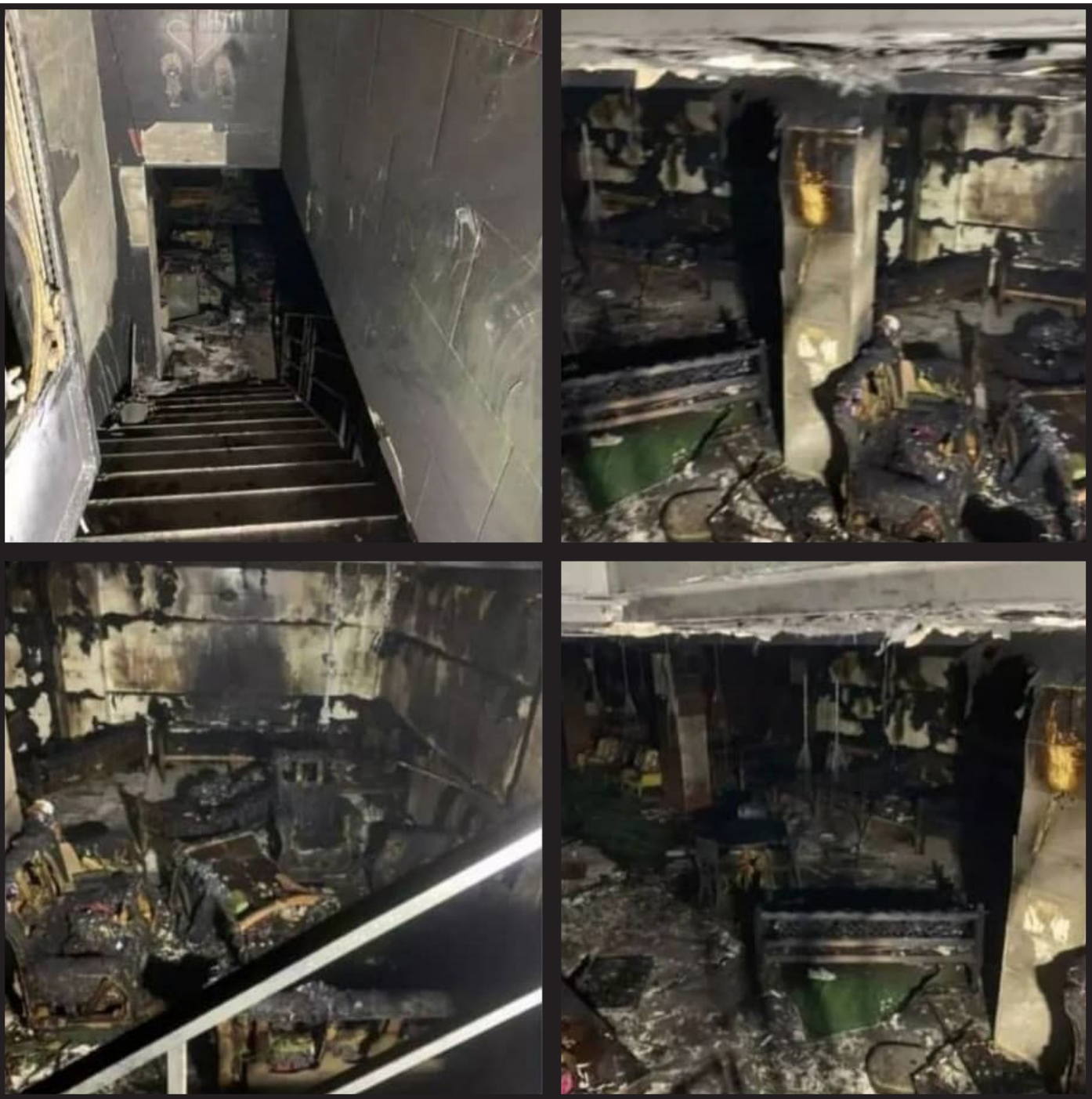
- ➔ جوان تر بودن (سن کمتر)
- ➔ قرار گرفتن طولانی مدت در معرض ویروس
- ➔ داشتن سلامت کلی ضعیف
- (مثلاً داشتن بیماری های زمینه ای)
- ➔ گسترش عوارض در طول دوره بیماری، بدون وجود نشانه ای از بهبودی
- ➔ انتقال ویروس monkeypox همچنین می تواند از طریق موارد زیر هم اتفاق بیفتد:
- ➔ نیش و خراش ناشی از حیوانات آلوده
- ➔ خوردن گوشت حیوان آلوده
- ➔ تماس با یک آیتیم یا اشیای آلوده، مانند رختخواب

در صورت ابتلا به ویروس آبله چه باید کرد؟

- با این وجود اگر خدای نکرده فکر می کنید با ویروس آبله میمونی در تماس بوده اید، برای راهنمایی با پزشک تماس گرفته و به مدت ۲۱ روز مراقب علائم خود باشید. در این مدت باید:
- ➔ روزی دو بار تب خود را چک کنید.
- ➔ اگر لرز و غدد لنفاوی متورم دارید، اما تب یا بثورات پوستی ندارید، خود را به مدت ۲۴ ساعت در خانه ایزوله کنید.
- ➔ اگر تب و یا بثورات پوستی گرفتید، فوراً خود را ایزوله کنید و با اورژانس تماس بگیرید.
- ➔ اگر هیچ علامتی ندارید، می توانید طبق معمول کارهای روزمره خود را انجام دهید. اما تا زمانی که علائم را دارید، از اهدای خون و شیر دادن به فرزند اجتناب کنید.

گزارش «شهروند» از دلایل مرگ ۸ نفر در آتش سوزی یک رستوران در شهریار

جشن آخر



اورژانس وارد عمل شدند. متأسفانه هشت نفر جان خود را از دست دادند که هفت نفر در محل حادثه جان باختند و یک کودک سه ساله نیز در بیمارستان جان خود را از دست داد.»

مرگ بر اثر خفگی

این در حالی است که حمید عسگری پور، دادستان شهریار روایت دیگری از این ماجرا داشت و گفت: «در بررسی صحنه آتش سوزی سفره‌خانه شهر اندیشه در این شهرستان، به نظر بادکنک هلیومی وجود نداشته و آتش سوزی به علت دیگری رخ داده است. عملیات اطفای حریق و انتقال اجساد آتش سوزی رستوران چتر شهر اندیشه شهرستان شهریار تا ساعت ۱۱ شب ادامه داشت. قربانیان به پزشکی قانونی برای کشف علت فوت منتقل شدند و به احتمال زیاد فردا اجساد به خانواده‌ها تحویل داده شوند. اطلاعاتی که در فضای مجازی در خصوص انفجار بادکنک هلیومی منتشر شده، بر اساس حدس و گمان است.»

دادستان شهریار با بیان اینکه احتمال می‌رود نخستین افرادی که موضوع انفجار بادکنک هلیومی را مطرح کردند، نیروهای اورژانس باشند، گفت: «در حال حاضر تنها اطلاعات قطعی در اختیار ما وقوع آتش سوزی و مرگ هشت نفر به علت خفگی بر اثر استنشاق گازهای سمی و دود است. بررسی دقیق تر صحنه وقوع حادثه می‌تواند جزئیات بیشتری در اختیار ما قرار دهد و از همین رو نمی‌توان با قطعیت در خصوص وجود انفجار بادکنک هلیومی به عنوان علت حادثه نظری داد.»

قرار بود در رستوران بخوانم

خانواده‌ای حدوداً هفت یا هشت ماهی می‌شد که این کافه رستوران را افتتاح کرده بودند. برنامه‌های بسیار زیادی برای بالا بردن کیفیت این رستوران داشتند. قرار بود درست یک شب پس از حادثه خواننده‌های جدید در این رستوران مشغول به کار شوند. در پیچ اینستاگرامیشان تبلیغات زیادی در این خصوص کرده بودند، اما جشن به عزاتبدیل شد و پیمان و خانواده‌اش نتوانستند به رویاهای خود دست پیدا کنند.

سعید حیدری یکی از همین خواننده‌هایی بود که درست شب چهارشنبه قرار بود در این رستوران بخواند. او حتی یک شب قبل از حادثه

سیمافراہانی | خانوادگی در کافه رستورانی که به تازگی آن را افتتاح کرده بودند، جشن می‌گرفتند. پدر و مادر و دوپسر خردسال همگی خوشحال بودند. کسی حتی تصورش را هم نمی‌کرد که دقایقی بعد در آن رستوران چه صحنه مرگباری رخ خواهد داد. آتش و دود این جشن را به عزاتبدیل کرد. صدای انفجار با صدای فریاد کمک‌خواهی افراد محبوس شده در رستوران درهم آمیخت. مردم جمع شدند، ولی کاری از دست کسی برنیامد. صاحب رستوران به همراه همسر و دوفرزند خردسالش در مهلکه آتش و دود جان دادند، اما آنها تنها قربانیان این فاجعه تلخ نبودند. چهار نفر دیگر نیز در این حادثه کشته شدند تا بازهم مردم عزادار قربانیان یک فاجعه دیگر باشند.

این حادثه سه شنبه شب رخ داد. زمانیکه صدای انفجار و بعد از آن فریاد کمک‌خواهی به گوش مردم خیابان شهدای گمنام در شهرک مریم شهریار رسید. مردم وحشت زده به خیابان رفتند. دود و آتش از همان کافه رستوران تقریباً جدیدی که در آن خیابان افتتاح شده بود، مشاهده می‌شد. اورژانس و آتش‌نشانی همزمان در جریان این ماجرا قرار گرفتند و در محل حضور یافتند.

حمیدرضا دم‌چی‌لو، رئیس سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری شهریار درباره جزئیات این حادثه گفت: «ساعت ۱۹:۴۵ روز سه شنبه بیست و چهارم خردادماه یک مورد حریق کافه رستوران واقع در شهریار، فاز یک اندیشه، شهرک مریم، خیابان شهدای گمنام به سامانه ۱۲۵ آتش‌نشانی شهریار اعلام شد. بلافاصله ستاد فرماندهی سازمان آتش‌نشانان دو ایستگاه راه به محل موردنظر اعزام کرد. این حریق در یک کافه رستوران در زیرزمین اتفاق افتاده و ۷ نفر در همان محل جان خود را از دست دادند. در اولین ساعات این حریق دادستان و عوامل امدادی اورژانس حضور پیدا کردند و موضوع حادثه هم در دست بررسی است.»

گسترش آتش در رستوران کنفی

مجتبی خالدی، سخنگوی اورژانس کشور نیز در این رابطه گفت: «بی‌احتیاطی در برگزاری یک جشن تولد، منجر به آتش سوزی یک رستوران و در نهایت مرگ هشت شهروند شهریار شد. این آتش بر اثر اشتعال یک بادکنک حاوی گاز هلیوم، آتش سوزی مهیبی رخ داد. سقف رستوران، کنفی بود و به سرعت آتش سوزی گسترش یافت و افرادی که قادر به خروج از رستوران بودند جان خود را نجات دادند اما هشت نفر کشته شدند. چهار کودک، سه زن و یک مرد بر اثر وقوع این آتش سوزی جان خود را از دست دادند.»

همچنین شاهین فتحی، مدیرعامل هلال احمر استان تهران با اشاره به انفجار در سفره‌خانه، گفت: «ساعت ۲۱ حادثه اعلام شد و نیروهای هلال احمر به عنوان پشتیبان آتش‌نشانی و

آنجا مشغول به فعالیت شدم. حتی شب قبل از حادثه هم به آنجا رفتم. خیلی اصرار کردند که فردا شب برای تولد کیان به آنجا بروم. ولی من کاری برایم پیش آمد و نتوانستم بروم. در این حادثه به جز خانواده پیمان، یک نیروی خدماتی خانم، یکی دیگر از دوستان شان به همراه کودک شان جان باختند. هنوز هم باورم نمی‌شود. گفته می‌شود که آن بادکنک از تولدهای قبل در آنجا مانده بود. بچه با فندک بازی می‌کرده که به بادکنک می‌گردد و منفجر می‌شود. ولی هرچه هست این حادثه واقعاً برایم دردناک بود و هنوز هم باورم نمی‌شود که آنها جان باخته‌اند.»

نبض ضعیف کیان کوچولو

یکی دیگر از نزدیکان و دوستان صمیمی این خانواده جزئیات بیشتری از این ماجرا می‌گوید: «من از دوستان نزدیک پیمان و گیتا بودم. چهار سال بود که با آنها رفت‌وآمد داشتم. من هم شنیدم که کیان در حال بازی، فندک را برداشته و روشن کرده، آتش به چوب می‌خورد. آنجا پر از وسایل اشتعال زا بود. همین باعث آتش و انفجار شده بود. بعد از این حادثه نیز آنها به قسمت انتهای آشپزخانه رفتند. هرچه تقلا کردند، نتوانستند فرار کنند. جلوی آنها پر از وسایل شعله‌ور بوده و آنها نیز نتوانستند به در برسند. تقلاً بسیار کرده بودند، ولی فایده‌ای نداشت. در نهایت هم بر اثر خفگی جان خود را از دست می‌دهند. کیان حتی زنده بوده و نبض ضعیفی داشته اما تا به بیمارستان برود، جان می‌دهد. آنها حدوداً هشت ماه بود که این کافه را افتتاح کرده بودند و پیمان برای اولین بار بود که این شغل را شروع می‌کرد. خیلی خوشحال بود و برنامه‌های زیادی داشت.»

خانواده است. او نیز بیشتر وقت‌ها به این رستوران می‌رفت و حتی شب قبل هم به آنجا رفته بود. این دختر جوان در گفت‌وگو با خبرنگار «شهروند» درباره این ماجرا می‌گوید: «من از مشتری‌های ثابت آنجا بودم. حتی شب بعد از حادثه در آنجا مراسم داشتند. قرار بود خواننده جدیدی بیاید. از من هم خواسته بودند که حتماً آنجا بروم. آن شب تولد کیان بود. من نمی‌دانم دقیقاً آنجا چه اتفاقی افتاده است. هرکس یک چیزی می‌گوید. یکی می‌گوید فندک دست کیان بوده و با آن بازی می‌کرده که آتش شعله‌ور می‌شود. بعضی‌ها می‌گویند که مشتری‌ها تولد داشتند و انفجار گاز هیدروژنی بادکنک پرهام و پدر و مادرش جان باخته‌اند. دوپسر ۳ و ۶ ساله جان شان را از دست داده‌اند. همان شب قبل بود که آنها را دیدم. کلی با کیان بازی کردم. سگ شان به اسم پاپت هم در این حادثه سوخت و جان باخت. چیزی که مرا بیشتر عذاب می‌دهد، این است که لحظه حادثه آنها آنجا محبوس شده و فریاد می‌زدند. اما چرا کسی در را نشکست و داخل نرفت. چرا مردم کاری نکردند.»

هنوز باورم نمی‌شود

میشم زمانی، خواننده دیگری است که از زمان افتتاح این کافه رستوران در آنجا مشغول به کار شده بود، اما به دلیل اینکه شغل دیگری پیدا کرده بود، چند روزی می‌شد که دیگر به آنجا نمی‌رفت. او که خیلی توان صحبت کردن ندارد، در گفت‌وگویی کوتاه توضیح می‌دهد: «سال هاست پیمان را می‌شناختم. با هم رفیق بودیم. وقتی رستورانش را افتتاح کرد، یعنی حدوداً هشت ماه پیش، من به عنوان خواننده

نیز به این کافه رفته بود و پیمان و خانواده‌اش را دیده بود. او که اصلاً حال‌وروز خوشی ندارد، با گریه به خبرنگار «شهروند» می‌گوید: «پیمان و همسرش از دوستان قدیمی من بودند. قرار بود از چهارشنبه شب، یعنی یک روز پس از حادثه در کافه فعالیت داشته باشم. از چندسال پیش پیمان را می‌شناختم. او چند ماهی بود که این کافه رستوران را افتتاح کرده بود. یک شب با من تماس گرفت و گفت که دنبال یک خواننده برای رستوران می‌گردیم. من شب قبل از حادثه آنجا بودم. قرار شد از چهارشنبه شب به آنجا بروم و همراه یک خواننده دیگر در آنجا مشغول شوم. چون پیمان را دوست داشتم به خاطر رفاقت‌مان این خواسته را قبول کردم. ۱۴ سال است که می‌خوانم. وقتی پیمان با من تماس گرفت، حتی از جزئیات فعالیت و شرایط کار هم چیزی نپرسیدم، بلافاصله قبول کردم. الان اصلاً باور نمی‌کنم که پیمان و خانواده‌اش را از دست داده‌ام. هنوز شوکه‌ام و نمی‌دانم باید چه بگویم.»

بازی مرگبار با فندک

گندم یکی دیگر از دوستان صمیمی این



گاز هلیومی اشتعال زانیست

باعث آتش سوزی شد، ولی به‌طور غیررسمی می‌شنوم که بادکنک گاز قابل اشتعال داشته است. ولی توصیه من کاملاً کلی در رابطه با جشن‌ها و شادی‌هاست. در بسیاری از جشن‌ها می‌بینیم که تونل بادکنک درست می‌کنند. اگر فقط در چندتا از این بادکنک‌ها گاز قابل اشتعال باشد، فشفشه یا فندک به آن بگیرد، ممکن است یک جهنم درست شود. خواهشاً مردم سمت این سبک جشن‌ها نزنند. برای بادکنک‌ها از همان هوای معمولی استفاده

کنند و اگر می‌خواهند به سقف برسند، خودشان با چسب آن را به سقف پچسبانند. چرا باید ریسک کنند. مثلاً چند سال قبل حادثه‌ای داشتیم که پدری با بچه کوچکش داخل خودرو نشسته بود. خودرو کنار خیابان پارک بود و پنجره‌ها نیز باز بود. این بچه دستش یک بادکنک بود. هوانیز گرم بود. پدرش سیگار می‌کشید که ناگهان به بادکنک خورد و منفجر شد. آنها زنده ماندند ولی به شدت دچار سوختگی شدند. این انفجار به حدی بود که شیشه ساختمان‌های کنار هم شکست. برای همین به نظر من در کل، این سبک کارها و استفاده از این بادکنک‌ها باید به‌طور کل حذف شود تا دوباره شاهد فاجعه نباشیم.»

جلال ملکی، سخنگوی سازمان آتش‌نشانی تهران پس از این حادثه به مردم توصیه کرد که در جشن‌ها از بادکنک‌های هلیومی استفاده نکنند. او در این رابطه به «شهروند» گفت: «این روزها در جشن تولدها از بادکنک‌هایی استفاده می‌شود که بسیار خطرناک است. از یک سری اجسامی استفاده می‌کنند به اسم بادکنک یا یک چیزهایی شبیه بادکنک ولی کشدار و لاستیکی نیست. همان‌ها را با گاز پر می‌کنند. خود گاز هلیوم غیرقابل اشتعال است مگر در شرایط خیلی خیلی خاص. ولی دسترسی به آن سخت است. وقتی یک نفر بخواهد گاز هلیومی تهیه کند برایش به صرفه نیست. برای همین آن را با گاز معمولی

داستانک

ترس های شب ششصد و دو

حکایت شب ۶۰۲ از داستان های «هزار و یک شب» یکی از ترسناکترین حکایت های دنیاست. قصه کلی «هزار و یک شب» این است که پادشاهی به جهت کینه اش از زنان، هر شب دوشیزه ای را به تخت شاهی می آورد و سپس به قتل می رساند. ماجرا تا جایی پیش می رود که نوبت به دختر وزیر یعنی شهرزاد می رسد. شهرزاد برای گریز از مرگ، قصه ای را شروع می کند و هر شب آن را نیمه تمام می گذارد تا پادشاه به جهت کنجکاوی برای شنیدن مابقی قصه، تا فردای آن شب دست نگاه دارد و خونس را نریزد. به این ترتیب هزار و یک شب می گذرد و شهرزاد همچنان در حال قصه گفتن است. اما برگردیم به آنچه گفته شد. چرا حکایت ششصد و دوم «هزار و یک شب» ترسناکترین قصه های جهان است؟ خورخه لوئیس بورخس می گوید: «هیچ کدام از قصه ها هراس آورتر از حکایت شب ششصد و دوم «هزار و یک شب» نیست. در این شب، شاه از شهرزاد، قصه خودش را می شنود و شهرزاد قصه اش را با حکایت شب یکم آغاز می کند. حکایتی که نه تنها دربرگیرنده حکایت های دیگر است، بلکه شامل خود قصه شهرزاد هم می شود.» در واقع گویی شهرزاد می داند کتابی به اسم «هزار و یک شب» در حال روایت شدن است و خودش هم راوی قصه است. انگار می داند در حال نوشته شدن است. بورخس از خود و خواننده می پرسد چرا این مطلب ما را آشفته می کند؟ و سپس پاسخ می دهد: «من دلیل این اضطراب را یافته ام. از این عمل وارونه سازی چنین برمی آید که اگر شخصیت های یک کار خیالی بتوانند خوانندگان و یا بینندگان خود آن کار باشند، ما - یعنی خوانندگان و یا بینندگان اثر - نیز خیالی هستیم!» سال ۱۸۳۳ توماس کارلایل گفت تاریخ جهان، کتاب بی پایانی است که همه انسان ها آن را می نویسند و خود می خوانند و می کوشند بفهمند و عجیب اینکه این کتاب، شامل حکایت زندگانی خودشان نیز هست.

دگرگونی گیتی با تغییر خویش

روی سنگ قبر مردی گمنام در یکی از گورستان های ایرلند چنین حك شده است: «زمانی که جوان بودم و تخیلات ام حد و حصری نداشت، رویای دگرگون کردن گیتی را در سر می پروراندم. بزرگ تر و عاقل تر که شدم، کاشف به عمل آمد گیتی دگرگون نخواهد شد و به همین خاطر تا حدی کوتاه آمدم و تصمیم گرفتم فقط کشورم را دگرگون کنم. اما آن هم استوار و تغییرناپذیر می نمود. به سن میانسالی که رسیدم، پس از پشت سر گذاشتن آخرین تلاش نافرجام، راضی به دگرگونی و تحول نزدیك ترین افراد به خود، یعنی خانواده ام شدم. اما افسوس که در مورد هیچ يك به نتیجه ای رضایت بخش نرسیدم. حالا که در بستر مرگ افتاده ام، به ناگاه فهمیدم اگر قبل از هر کس خودم را تغییر داده بودم، می توانستم به مثابه الگویی باعث تحول خانواده ام بشوم و در سایه تشویق، دلگرمی و اندیشه خوب آنان وسیله ای باشم برای پیشرفت کشورم و شاید، کسی چه می داند، وسیله ای برای دگرگون ساختن گیتی.»

سوگند مهم برای ادای حقیقت

مشهور است فرانک سیمانی بازیکن شهیر و متواضع تیم فوتبال نوتردام، روزی در جریان یک دادگاه به جایگاه شهود احضار شد. قاضی از او پرسید: «شما آقای سیمانی هستید؟» سیمانی جواب داد: «بله.» قاضی: «آیا امسال نیز در تیم فوتبال نوتردام بازی می کنید؟» سیمانی: «به طور حتم.» قاضی: «در چه پستی؟» سیمانی: «در خط میانی.» قاضی: «بازی شما چطور است؟» سیمانی: «من بهترین بازیکن تیم هستم.» چند روز بعد سرمربی تیم از او می پرسد چگونه این را گفتی، در حالی که تاکنون چنین چیزی را از تو نشنیده بودیم؟! و سیمانی پاسخ می دهد: «من از ابراز آن مطلب تنفر داشتم. اما فراموش نکنید که من در مقابل دادگاه سوگند یاد کرده بودم.»

تقویم تاریخ

ورود اسپانیایی ها به خطه آرژانتین

۵۰۶ سال پیش، برابر ۱۶ ژوئن ۱۵۱۶ میلادی، استعمارگران اسپانیایی وارد بخش دیگری از آمریکای جنوبی شدند. آنها که در جست و جوی گنج بودند، این سرزمین را آرژانتین نامیدند که از ریشه argentum به معنای نقره است. کشف آرژانتین طی چند مرحله و توسط کاشفان مختلف صورت گرفت. مهم ترین کاشفان اروپایی آرژانتین عبارت اند از: آمریگو وسپوچی، خواندiaz دوسولی و فردیناند ماژلان. سال ۱۷۷۶ میلادی سرزمین ریودولایلاتا، شامل آرژانتین، بولیوی، پاراگوئه و اروگوئه به مرکزیت بوئنوس آیرس تحت ریاست نایب السلطنه اسپانیاتشکیل شد. سال ۱۸۱۶ میلادی بوئنوس آیرس و سرزمین های مجاور آن به نام ایالات متحده لایلاتا، پس از ۳۰۰ سال، استقلال خود را بازیافتند.

پدر اقتصاد آزاد و خالق ثروت ملل

۲۹۹ سال پیش، برابر ۱۶ ژوئن ۱۷۲۳ میلادی، آدام اسمیت، فیلسوف و اقتصاددان اسکاتلندی به دنیا آمد. او به پدر اقتصاد آزاد معروف شده است. اسمیت انگیزه و ابتکار فردی را در تولید ثروت موثر می دانست و بنابراین، عقیده ای متضاد با سوسیالیسم راتبلیغ می کرد. اسمیت در کتاب معروف خود «ثروت ملل» عقایدش را تشریح کرده و به تعریف علل، انگیزه ها و طبیعت ثروت می پردازد. این نخستین کتاب مدرن علم اقتصاد و شاهکار آدام اسمیت به شمار می رود. اسمیت رابانی کرسی درس اقتصاد و اقتصاد سیاسی در دانشگاه به شمار آورده اند. او ۱۷ جولای ۱۷۹۰ در ۶۷ سالگی درگذشت.

مبدع استفاده از اتر برای بیهوشی

۱۴۴ سال پیش، برابر ۱۶ ژوئن ۱۸۷۸ میلادی، دکتر کرافورد لانگ، پزشک آمریکایی در ۶۳ سالگی درگذشت. لانگ نخستین کسی بود که قبل از عمل جراحی، بیمار را بیهوش کرد تا به این ترتیب عصری تازه در تاریخ علم پزشکی آغاز شود. دکتر لانگ با استفاده از «اتر» به عنوان داروی بیهوشی، ترس از عمل جراحی و تحمل درد جسمی حین بریده شدن اعضا توسط چاقوی جراحی را برای همیشه از ذهن بیماران پاک کرد. تاپیش از آن برای کاهش رنج بیمار در اعمال جراحی از خوردن محلول الکل و تریاک استفاده می شد که تاثیر چندانی هم نداشت. با کشف لانگ، معجون الکل و تریاک برای همیشه به یابگانی فرستاده شد.

ستاره نیویورکی و پر فروش رپ

۵۱ سال پیش، برابر ۱۶ ژوئن ۱۹۷۱ میلادی، توپاک شکور، از برجسته ترین چهره های موسیقی رپ در نیویورک به دنیا آمد. محتوای ترانه های او همچون دیگر خواننده های این سبک دارای مضامینی چون خشونت، فقر، نژادپرستی، و... است. بیش از ۸۰ میلیون نسخه از آلبوم های شکور تاکنون به فروش رفته اند. شکور ۷ سپتامبر ۱۹۹۶ میلادی، بعد از تماشای مسابقه بوکس بین مایک تایسون و بروس سلدون در شهر لاس وگاس، هنگام بازگشت به هتل هدف اصابت گلوله قرار گرفت و ۶ روز بعد در ۲۵ سالگی درگذشت. قاتل او هنوز شناسایی و دستگیر نشده است.

معا

پیروان راستین نواب مقابل جوخه آتش



محمد بخارایی

«...ولی این شیرینی به دلیل آن که تقریباً همه افراد این گروه را در مدت کوتاهی دستگیر کردند، قدری تلخ شد. متأسفانه محمد بخارایی که این عمل بزرگ را با دست توانمند خودش انجام داده بود، بقیه دوستان و رفقاییش که با او همکاری داشتند و خلاصه همه افراد و اعضای این گروه در مدت یکی دو هفته دستگیر شدند. در آن زمان شایع بود که این ها به دلیل بی احتیاطی در مکالمه تلفنی یکی از اعضای گروه لو رفته اند. ظاهراً یکی از آن ها به نام شهاب یادگیری، این بی احتیاطی را کرده بود...» متنی که خواندید بخشی از خاطرات حسن روحانی، رئیس جمهوری سابق ایران است که به وقایع بهمن سال ۱۳۴۳ و ترور حسنعلی منصور نخست وزیر وقت به دست محمد بخارایی از اعضای هیأت های موتلفه اسلامی اشاره دارد. ۵۷ سال پیش، برابر ۲۶ خرداد ۱۳۴۴ خورشیدی، محمد بخارایی، صادق امانی، مرتضی نیک نژاد و رضا صفارزندی از اعضای هیأت های موتلفه اسلامی

به جرم ترور حسنعلی منصور تیرباران شدند. اعدام بخارایی و دیگران، درست یک دهه پس از اتفاق مشابهی بود که طی آن سید مجتبی نواب صفوی، موسس گروه فدائیان اسلام و دیگر اعضای آن به حکم دادگاه نظامی مقابل جوخه آتش ایستادند. فدائیان اسلام نخستین پرچمداران مبارزه مسلحانه با رژیم پهلوی بودند. آن ها با هدف تشکیل حکومت اسلامی گرد روحانی جوانی به نام سید مجتبی نواب صفوی حلقه زدند و برای رسیدن به اهداف خود سیاست حذف فیزیکی سران رژیم را در پیش گرفتند. سیاستی که شاه بیت آن ترور حاجعلی رزم آرا (نخست وزیر وقت ایران) از مخالفان جدی ملی شدن نفت توسط خلیل طهماسبی بود. فدائیان اسلام پس از کودتای ۲۸ مرداد و سرنگونی دولت ملی دکتر مصدق از دایره توجه بیرون رفتند تا این که در پی اقدام به ترور ناموفق یک نخست وزیر دیگر یعنی حسین علاء، همگی بازداشت شدند. قصه فدائیان اسلام ۲۷ دی ۱۳۳۴ خورشیدی

با اعدام آنها به سر رسید و اعضای باقی مانده فعالیت خود را روی مبارزه غیرمسلحانه متمرکز کردند. از اینجا به بعد اسلحه فدائیان اسلام به دیگر گروه های مبارز همچون هیأت های موتلفه اسلامی که خود را ادامه راه نواب می دانستند سپرده شد. ترور حسنعلی منصور بانی قانون ننگین کاپیتولاسیون را باید نقطه آغاز طوفانی هیأت های موتلفه قلمداد کرد. دولت وقت ایران با پذیرش کنوانسیون وین راه را برای تصویب قانون کاپیتولاسیون باز کرد و حسنعلی منصور با تصمیم این قانون به همه مستشاران آمریکایی ساکن ایران، آبروی کشور را در معرض فروش گذاشت. جدی ترین اعتراض ابتدا از سوی امام خمینی (ره) ابراز شد که نتیجه آن تبعید ایشان بود. قدم بعدی اما توسط هیأت های موتلفه اسلامی برداشته شد و یکم بهمن ۱۳۴۳ با ترور حسنعلی منصور مقابل مجلس شورای ملی، خاطره نواب و یارانش که نام شان در دهه ۳۰ لرزه برتن عمال حکومت می انداخت بار دیگر زنده شد.

فرجام

دومین وزیر نفت جمهوری اسلامی ایران

۷۲ سال پیش، برابر ۲۶ خرداد ۱۳۲۹ خورشیدی، محمد جواد تندگویان، دومین وزیر نفت جمهوری اسلامی ایران (کابینه محمد علی رجایی) در تهران به دنیا آمد. تندگویان دانش آموخته مهندسی نفت از دانشکده نفت آبادان و کارشناسی ارشد مدیریت صنعتی از مرکز مطالعات مدیریت ایران بود. او ۹ آبان ۱۳۵۹ در حالی که فقط یک ماه از ورودش به کابینه می گذشت، برای بازدید از پالایشگاه نفت آبادان عازم جنوب بود که در جاده ماهشهر به آبادان به همراه معاون و برخی همراهان خود، به اسارت نیروهای ارتش بعث عراق درآمد. دولت ایران تا یک سال به امید بازگشت تندگویان از انتصاب وزیر نفت جدید، خودداری کرد. همچنین کالردون برتی وزیر نفت وقت ونزوئلا برای رفتن به عراق و ملاقات همتای ایرانی خود در زندان اعلام آمادگی کرد که مورد پذیرش دولت عراق قرار نگرفت. سرانجام پس از پایان جنگ و آغاز تبادل اسرا، پیکر محمد جواد تندگویان که زیر شکنجه در عراق جان سپرده بود، به ایران بازگردانده و ۲۵ آذر ۱۳۷۰ به خاک سپرده شد. از چگونگی وضعیت اسارت و نحوه درگذشت او در اردوگاه های اسرا اطلاعات موثقی در دست نیست.



تصویر بخش شده از محمد جواد تندگویان در تلویزیون عراق

شرح بی نهایت

امید وصال

آمدی وه که چه مشتاق و پریشان بودم / تا بر فنی ز برم صورت بی جان بودم نه فراموشیم از ذکر تو خاموش نشاند / که در اندیشه اوصاف تو حیران بودم بی تو در دامن گلزار نخفتم یک شب / که نه در یاد به خار مغیلان بودم زنده می کرد مرا دم به دم امید وصال / و ره دور از نظرت کشته هجران بودم به تولا ی تو در آتش حننت چو خلیل / گویی یاد ر چمن لاله و ریحان بودم تا مگر یک نفسم بوی تو آرد دم صبح / همه شب منتظر مرغ سحر خوان بودم سعدی از جور فراق همه روز این می گفت / عهد بشکستی و من بر سر پیمان بودم سعدی

آه ناکسان

من به هوس همی خورم ناوک سینه دوز را / تا تانکی ملامتی غمزۀ کینه تو ز را دین هزار پار سار در سر گیسوی تو شد / چند به ناکسان دهی سلسله رموز را گویم وصل، گویم رو که هنوز چند که / وای که چون برون برم از دلت این هنوز را قصه عشق خود رو پیش فسر دگان ولی / سنگتراش کی خرد گوهر شب فروزا ساقی نیم مست من جام لبالب آرتا / نقل معاشران کنم این دل خام سوز را بس که ز آه ناکسان تیره شده ست روز من / نیست دو دیده بنگرم این شب تیره روز را جان چو خسروی و بس زخم تو وه که بر کسی / باری اگر همی زنی تیر درونه دوز را امیر خسرو دهلوی